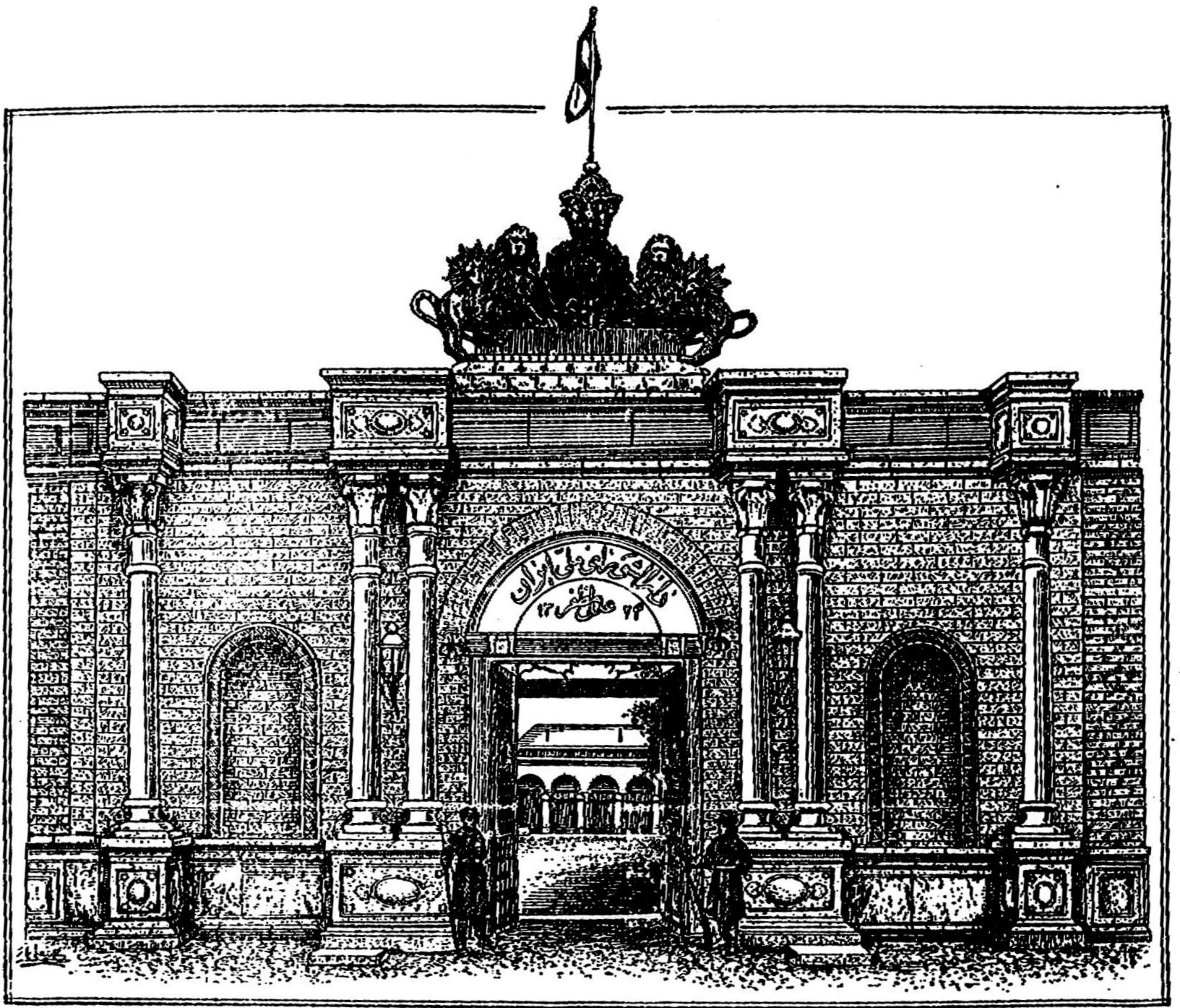


جلسه ۶۴	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره سی ام
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجم شنبه ۲۷ بهمنماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۴ شعبان ۱۳۴۵	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در بک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس	قیمت اشتراک داخله ایران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمت تک شماره بک قران

فهرست مدارجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قرائت خبر شعبه دوم راجع بانتخابات خوی و نمایندگی آقای ابوالقاسمخان رجالی و اظهار مخالفت آقای فرشی	۴۹۹	۵۰۱
۲	تصویب نمایندگی آقای حاج غلامحسین ملک بهبهانی از شیراز	۵۰۱	
۳	شور و مذاکره نسبت به لایحه وزارت عدلیه راجع باصلاح قوانین اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه بوسیله کمیسیونهای مرکب از اشخاص بصیر و تصویب قانون مزبور	۵۰۱	۵۲۲
۴	معرفی آقای میرزا یوسفخان مشار بسمت معاونت وزارت معارف از طرف آقای وزیر معارف	۵۲۲	
۵	معرفی آقای مصطفی قلیخان بیات بسمت معاونت وزارت داخله از طرف آقای وزیر داخله	۵۲۲	
۶	معرفی آقای رحما بسمت معاونت وزارت فواید عامه از طرف آقای وزیر فواید عامه	۵۲۳	
۷	قانون اجازه اصلاح قوانین اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه به وزیر فعلی عدلیه	۵۲۴	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه پنج شنبه ۲۷ بهمنماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۴ شعبان ۱۳۴۵

جلسه ۶۴

رئیس - نسبت بصورت مجلس ابرادی هست یا نه ؟
 میرزا سید احمد خان اعتبار - اجازه میفرمائید ؟
 رئیس - بفرمائید

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر
 بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس سه شنبه ۲۵ بهمن ماه را
 آقای کلای قرائت نمودند)

اعتبار - بنده را در صورت مجلس غائب بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده کتباً استعجازه کرده بودم رئیس - از کمیسیون استعلام میشود وبعد اصلاح خواهد شد. آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان - بنده را غائب بی اجازه نوشته اند و حال آنکه در جلسه قبل بنده کسالت داشتم و کتباً هم از مقام ریاست استعجازه کرده بودم.

رئیس - این یکی هم اصلاح میشود. آقای نظامی میرزا یدالله خان نظامی - بنده را هم غائب بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده استدعای اجازه کرده بودم.

رئیس - دیگر ابرادی نیست ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. قبل از اینکه وارد دستور شویم دو فقره خبر از شعبه پنجم و شعبه دوم یکی راجع بنابندگی آقای ملک التجار بهبهانی و دیگری راجع بانتخابات خوی رسیده است قرائت میشود و رای میگیریم. آقای زوار تشریف بیاورید

(آقای زوار در محل اطاق حاضر شده راپرت شعبه) (دوم را راجع بنابنده خوی بمضمون آئی قرائت نمودند) شعبه دوم چندین جلسه برای رسیدگی بدوسیه انتخابات خوی و ماکو و سلماس و مرند تعیین نماینده دوم آنجا تشکیل و بدوسیه و سوابق امر بدقت رسیدگی بعمل آورد. شرح قضیه بطوریکه ذیلأ بعرض مجلس میرسد:

دوسیه انتخابات مزبور در بدو افتتاح مجلس بشعبه شش رجوع شده بود. شعبه مزبوره بنابندگی آقای امامی را تصدیق نموده و راپرت آنرا میدهد ولی نظر باینکه انجمن نظارت خوی راجع بنابنده ثانی اشکال کرده و اعتبارنامه نداده بود و وزارت داخله رفع اشکال را

بتنظر مجلس موکول کرده بود لهذا شعبه ۶ کمیسیون فرعی معین نمود که بنام اوراق و دوسیه های مربوطه باین امر اعم از آنچه در وزارت داخله است یا مجلس رسیدگی نموده و راپورت دهد. کمیسیون مزبور پس از چند جلسه تحقیق و مراجعه بدوسیه اینطور راپورت میدهند: انجمن مرکزی خوی در ۲۴ شعبان ۱۳۴۴ تشکیل گردید و انتخابات را بجزبان انداخته و پس از استخراج آراء خوی و ماکو و سلماس و سلماس طرف حکومت بوزارت داخله در ۱۲ اردیبهشت شده است که از مجموع آراء سه محل مزبور آقای امامی دارای ۸۸۳۸ رای و آقای میرزا ابوالقاسم خان رجالی دارای ۶۳۴۱ رای بوده و حائز اکثریت هستند بعد در ۲۷ اردیبهشت حکومت اطلاع میدهد که انجمن مرکزی خوی آراء ماکو را باطل دانسته و بنا براین خائزین اکثریت آقایان امامی و حاج امین الاسلام رئیس انجمن خواهند بود. از وزارت داخله دلیل ابطال را سؤال کرده اند انجمن در جواب مینویسد انتخابات رضایت بخش نبوده و بر خلاف قانون عمل شده است. در همان تاریخ شکایتی از انجمن مرند بوزارت داخله میرسد که انجمن خوی پس از اینکه آراء مرند را قرائت کرده است بعنوان اینکه دیر از موقعی که انجمن نظار مرکزی تعیین نموده است خانه یافته آن آراء را باطل نموده است در صورتیکه نظار مرند ناخبراً بعمل انجمن خوی و فرستاده آن نسبت میدهند

در هر حال چون انجمن بعد از قرائت آراء و تشخیص حائزین اکثریت از رای خود عدول کرده و مخصوصاً با توجه باین نکته که آقای امین الاسلام رئیس انجمن بشخصه داو طلب بوده و از این عدول استفاده میکرده است وزارت داخله قضیه را تعقیب و دلایل صریحی برای موارد نقض قانون تقاضا میکند حکومت از انجمن خوی توضیح خواسته است انجمن از دادن جواب مستقیم خود داری می کند و اکثریت بدون تردید امامی را

تصدیق و نسبت بشخص دوم برای وزارت داخله موکول میکند و ضمناً پنج دلیل برای ابطال آراء ماکو ذکر کرده است وزارت داخله دوسیه عمل را به مجلس فرستاده و کمیسیون پس از ملاحظه به شرح ذیل اظهار عقیده می نماید:

انجمن مرکزی خوی بد پنج دلیل آراء ماکورائیس از قرائت باطل کرده است دلایل پنجگانه هیچیک موجب ابطال انتخابات نمیشود. اعتراض اول آنست که یکی از شعب فرعی ماکو زیاد بوده است و این مسئله مخالفتی با قانون ندارد و در نقاط دیگر نظائر زیاد داشته است عده شعب فرعی منوط به وسعت حوزه و کثرت جمعیت است و هر قدر برای رای دهندگان تسهیل شود بهتر است.

اعتراض دوم اینکه انجمن فرعی اوچیق نایب الحکومه محل را در تعیین هیئت رئیسه انجمن دخالت داده است اگر چه این امر برخلاف معمول است ولی بانوجه به سادگی اهالی محل عدم اهمیت مطلب نیز معلوم میشود زیرا اگر حکومت میخواسته است اعمال نفوذ کند و انجمن بآن تن در میداد بسهولت امکان داشت که میل و اراده حکومت را در تحت صورت قانونی وبدون اشکال بیرون بیاورند.

اعتراض سوم اینکه انجمن اوچیق سه روز بیشتر از مدتیکه انجمن مرکزی تعیین کرده تعرفه داده است اگر انجمن اتفاقاً از مدت کاسته بود و یکمده را از حق انتخاب محروم میکرد بیشتر مورد ایراد بود ولی در صورتی که از این عمل عده بیشتری موفق بدادن رای شده اند خلاف قانون نمی توان شناخت و آنکمی بوضعیات هر محل انجمن های محلی بهتر از انجمن مرکزی اطلاع دارند.

اعتراض چهارم اینکه حمدالله خان ماکوئی عضو انجمن توقیف شده است و عوض آنرا که میبایست از اعضاء علی البدل معین شود از خارج انتخاب کرده اند این عمل برخلاف قانون واقع شده است ولی دخول يك نفر در

انجمن که هشت نفر عضو اصلی آن باقی هستند نه نائبری در اکثریت رأی انجمن داشته است و نه موجب ابطال رسمیت انجمن میشود و مخالفت و موافقت بکنفر در مقابل هشت نفر اثری نداشته است

اعتراض پنجم اینکه آراء شعب فرعی ماکورا در محل خود استخراج نکرده و صندوق را بماکو آورده بخوبی انجمن آنجا داده اند که در ضمن آراء خود استخراج کرده اند سستی این دلیل هم در اول نظر معلوم است و خواندن آراء انجمنهای فرعی در يك نقطه معول و مجاز است. این بود اعتراضات قویه ای که انجمن مرکزی خوی برای ابطال آراء آنجا اظهار کرده است و البته تصدیق میفرمایند که این دلایل هیچیک موجب ابطال آراء نمیشود اما راجع بآراء مرند که انجمن بعد از قرائت و تشخیص حائزین اکثریت بعنوان ناخبر ابطال آنرا رای داده است پس از مراجعه بدلایلی که انجمن

مرند اقامه نموده سبب این تاخیر فرستاده انجمن خوی بوده و بعلاوه بملاحظه پیش آمدن جشن ناجگذاری و تعطیل از طرف ایالت بکهنه تمام ادارات و انجمن و غیره را تعطیل کرده اند در این صورت ایرادی برانجمن مرند وارد نیست وانگهی آیا ممکن نبود این ایراد را قبل از قرائت آراء بنمایند. بطور کلی از ملاحظه دوسیه و دلایل انجمنهای فرعی ماکو و مرند اینطور مفهوم میشود که ابطال آراء ایند و نقطه خالی از نظر های خصوصی نبوده است زیرا در غیر اینصورت رئیس انجمن خوی موفق بداشتن اکثریت نمی شدند و دلیل قوی همینکه آراء هر نقطه را پس از قرائت باطل کرده اند بعلاوه معلوم میشود خود انجمن هم بقانونی بودن این تصمیم چندان مطمئن نبوده است زیرا قبل از اینکه اعتبارنامه آقای امامی را که حائز اکثریت بودند صادر نمایند انحلال خود را اعلام نمود و باوجود نهایت علاقه ای که رعایت قانون داشتند چهار ماه پس از انحلال بآقای امامی اعتبارنامه داده اند باینمقدمات دیگر تردیدی

باقی نمایند که آقای رجالی نماینده دوم خوی و ما کو و مرند خواهند بود.

پس از اینکه کمیسیون فرعی راپورت تحقیقات خود را بشعبه داد مصادف با انقضاء مدت شعبه شده و پس از تجدید شعبات مطلب بشعبه دوم رجوع گردید شعبه مزبوره همان اقدامات شعبه ششم سابق را تجدید مینماید و يك کمیسیون فرعی برای تجدید رسیدگی و تحقیق در دوسیه معلوم نماید. این کمیسیون نیز پس از مطالعات عمیق راپورتی بشعبه داده و اظهارات کمیسیون فرعی سابق را عیناً تصدیق می نماید ولی این مرتبه هم بواسطه انقضاء مدت شعبه موفق بدادن راپورت نمی شوند پس از تجدید شعبات فعلی دوسیه مجدداً بشعبه دوم مراجعه می شود این شعبه نیز پس از مذاکرات ابتدائی کمیسیون فرعی برای مطالعه در محتویات دوسیه معین نموده این کمیسیون هم در مرتبه ناک تحقیقات کامل بعمل آورده و چهار نفر از اعضاء کمیسیون فرعی باستثناء آقای فرشی با راپورت شعب سابق موافقت نمودند و چند جلسه هم در شعبه مذاکره شد و بالاخره در ۲۵ بهمن شعبه باحضور دوازده نفر از اعضاء تشکیل و با اتفاق آراء نمایندگی آقای ابو القاسم خان رجالی را از طرف خوی و ما کو و مرند و سلماس تصدیق مینماید میرزا یوسفخان عدل - آقای زوار. این وکیل عهد آزادیست.

زوار - فرمایشی دارید؟ اگر فرمایشی دارید بفرمائید یا حرفتان را پس بگیرید

رئیس - آقای فرشی حاجی میرزا آقا فرشی - بنده مخالفم

رئیس - مینماید برای جلسه بعد. راپورت شعبه پنجم راجع باعتبار نامه آقای حاجی غلامحسین ملك التجار بهبهانی از شیراز قرائت میشود (آقای عراقی احضار شده راپورت شعبه پنجم را راجع

باعتبار نامه آقای حاج غلامحسین ملك التجار بهبهانی به مضمون آتی قرائت نمودند)

شعبه پنجم در تاریخ ۱۷ مرداد بدوسیه انتخابات شیراز و توابع رسیدگی کرده در تاریخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۰۴ والی ایالت فارس مطابق ماده ۱۴ قانون انتخابات از سی و شش نفر دعوت مدعون ازین خود نه نفر برای عضویت اصلی نه نفر برای عضویت علی البدل انتخاب و پس از نشر اعلان در موعد مقرر شروع بدادن آفره و اخذ رای نموده مطابق شرحیکه در خبرهای سابق بعرض مجلس مقدس رسید در نتیجه قرائت آراء ماخوذه آقای حاجی غلامحسین ملك التجار بهبهانی با اکثریت ۱۸ ۳۶۰ رای بنماینده کی دوره ششم مجلس شورای ملی انتخاب شدند شعبه پس از رسیدگی نمایندگی آقای حاجی غلامحسین را تصدیق و خبر آن تقدیم مجلس شورای ملی می شود.

رئیس - رای گرفته میشود بنماینده کی آقای ملك التجار از شیراز آقابانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد (لایحه تقدیمی از طرف آقای وزیر عدلیه بشرح ذیل خوانده شد)

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ازکانه البته نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود که افکار عامه و نظریات مجلس و تصمیم دولت همیشه متوجه اصلاحات قوه قضائیه بوده و تشکیلات موجوده را برای تامین نظریه اصلاحی کافی نمیدانستند واضح است که اساس این اصلاحات مبتنی بر دو اصل است:

رفع نواقص قوانین که بموجب تجربه و عمل مشهود گردیده و اصلاح تشکیلات عدلیه از حیث صلاحیت اشخاص با آن مقدمات یقین است که قبول مسؤلیت امور عدلیه برای کسی که طالب نامین این نظریه باشد کار آسانی نبوده و مستلزم این خواهد بود که وزیر عدلیه

نقشه برای اصلاحات اساسی در نظر بگیرد و برای اجرای آن آنچه را لازم میداند بکنند و اختیاراتی را که ضروری می بینند از مجلس مقدس بخواهد بادر نظر گرفتن این نکات بنامید اینک چون نمایندگان محترم باصلاح امور قضائی اهمیت میدهند از هیچ قسم مساعدتی مضایقه نخواهند فرمود و نظر باینکه اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام مامورین و صاحبمنصبان مؤسسات قضائی و اداری عدلیه محتاج بیک اصلاحات اساسی فوری است و ناان زمینیه و درباب انتخاب اشخاص اختیاراتی که از طرف مجلس مقدس بوزیر مسؤل داده نشود هیچ اصلاحی مقدور نخواهد شد ماده واحده ذیل باقید دو فوریت تقدیم می گردد:

ماده واحده - وزیر فعلی عدلیه مجاز است بوسیله کمیسیونهای مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع باصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و بموقع اجرا بگذارد ناپس از آزمایش در عمل بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید کمیسیونهای مذکوره چهارماه پس از تصویب این قانون منحل میشوند (مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که بوسیله کمیسیونهای فوق الذکر در ظرف چهارماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده است بقوه خود باقی است) تبصره - وزیر فعلی عدلیه میتواند اشخاصی را که لازم میداند اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه برای مؤسسات اداری و محاکم عدلیه انتخاب نموده مؤسسات و محاکم را از این اشخاص دابر نماید. این اختیار برای مدت چهار ماه از تصویب این قانون است

رئیس الوزراء (حسن) وزیر عدلیه (داور) رئیس - فوریت اول مطرح است. آقای بهبهانی

آقا میرزا سید احمد بهبهانی - بنده از دو نقطه نظر بافوریت این لایحه مخالفم یکی از آن دو نقطه نظر این است که این ماده واحده در نتیجه يك عملیاتی بمجلس

آمده است که توافق آن عملیات و موافقت آن عملیات با اصول قانون اساسی و قوانین جاریه مملکتی احراز نشده بلکه تصور میشود برخلاف آنهاست و حالا این يك مبحثی است البته ممکن است یکمده تصور کنند که مخالف نبوده است ولی البته وقتی موقع شد اصولی که در این باب ناطق بمخالفت است و موادی که ناطق بمخالفت است اظهار خواهد شد آنوقت هم البته نظر اکثریت حاکم است يك نظر دیگر بنده در مخالفت راجع باهمیت است اینچجا يك تشکیلاتی بوده است این تشکیلات را روی يك نظریاتی که بنده نمی دانم چه مبدائی داشته هم زده اند.....

وزیر عدلیه - اصلاح.

بهبهانی - آیا نظر اصلاح ملازم با انحلال میشود؟ حالا اگر در مواد صحبت شد البته عرایض طرفین گفته خواهد شد و آقایان هم حکمیت خواهند کرد علی العجلاله این ماده واحده چند چیز مهم دارد: یکی این است که میگوید پس از آزمایش بمجلس شورای ملی خواهد آمد البته تصدیق میفرمایند که اعراض و انفس مردم را نمیشود مورد امتحان قرار داد.....

یاسائی - بیست سال امتحان کردند.

بهبهانی - شما در موقع خودنات بفرمائید. يك تشکیلاتی بوده است و آن تشکیلات بهم خورده و حالا میخواهند يك تشکیلات جدیدی بیاورند البته چنانچه يك وزیر عدلیه یا يك هیئت دولتی میخواهد بگوید که من بحسب مسؤلیت خودم يك نظریاتی دارم و بعنوان اصلاحات يك اقداماتی خواهم کرد البته وکیل هم يك نظریاتی دارد و باید در آن نظریات شرکت داشته باشد و عمیقانه در صحت و عدم صحت آن نگاه کند و عقاید خود را بگوید. پس این يك موضوعی است که نمیشود باین فوریت عنوان و طرح شود. یکی دیگر این است که میفرمایند: مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که بوسیله کمیسیونهای

فوق الذکر در ظرف چهار ماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده بقوه خود باقی است. این کمیسیون در ظرف این چهار ماه باید همه این تشکیلات و محاکمات و استخدام قضات و همه اینها را ترتیب بدهند. البته اگر آقای وزیر عدلیه نتوانند در اینجا عنوان کنند وجهه نظرشان روی چه قسمت است و چطور میخواهند تغییر بدهند البته در کمیسیون میتوانند نظریات خودشان را اظهار کنند. و این قسمت با يك نظر توافقی از کمیسیون به مجلس بیاید اینها را که میخواهند تغییر بدهند. يك تشکیلاتی را که از روی يك فکرها و يك رويه ها و بلکه از روی امتحانات ساین داده شده میگویند این تشکیلات غلط بوده است و باید بهم زد. يك کمیونی ولو اینکه مطلع هم باشد در خارج بنشینند بدون اینکه نظریه از آقایان وکلاء و نمایندگان جلب کنند يك تشکیلاتی بدهند یا اینکه يك قانون محاکماتی بنویسند این را در نظره اول بدون اینکه بالاخره معلوم شود آن نظریه را که میخواهند اتخاذ کنند چیست نمیشود عمل کرد.....

عمادی - قید بصیر برای همین است. بصیر که میگویند برای همین است.

بهبهانی - ما هم خودمان را بصیر میدانیم. البته هر کس در مرتبه خودش خود را بصیر میداند یکی دیگر قسمت آخر است. و از آن گذشته قانون استخدام و قانون محاکمات اصولی است مدونه و اینها هم يك ترتیبی است امتحان شده اگر بخواهند اینها را هم ترتیب البته سوابق استخدام مردم هم در این قضیه هم میخورند و این هم خوردن سوابق استخدام مردم موجب مخالفت با يك قانون استخدامی است علاوه بر این این قسمت آخرش که میگوید آقای وزیر عدلیه با کمیسیون مختار باشند از اشخاصیکه سابقه دارند بدارند انتخاب میکنند. مدتی زحمت کشیده شده قانون استخدام نوشته شده حالا این قانون استخدام را بچه موجب باید در اینخصوص الغاء کنند و بعد يك اشخاص

چندان اهمیت ندارد. وزیر عدلیه - بیاناتی که از برای بتاخیر انداختن با کمیسیون فرستادن فرمودند بچند قسمت داشت یکی این بود که این لایحه در دنباله يك عملیاتی مجلس آمده است که آن عملیات بنظر نماینده محترم مخالفت با اصول قانون اساسی داشته است. اگر اشاره باین مسئله نکرده بودند و در مجلس صحبت این نشده بود که يك وزیري يك کاری کرده است برخلاف قانون اساسی البته بنده وارد در مذاکره آن عملیات ولو بطور اجمال نمیشدم ولی البته خود نماینده محترم به بنده حق بخواهند داد که وقتی يك چنین عبارتی را فرمودند بنده از عمل برای اینکه هیچ اشکاهی بکسی نشود از عملیکه از روی يك نیت پاکی کرده ام (بعضی از نمایندگان - صحیح است) مدافعه کرده باشم چند کلمه عرض کنم...

بهبهانی - دلیل میخواهد

وزیر عدلیه - بادلیل عرض میکنم. اولاً اگر در نظر آقا باشد قانون اساسی اظهار نمیکند که باید حکماً فلانقدر حکمه باشد فلانقدر تشکیلات باشند این تشکیلات را نمیشود کم و زیاد کرد میگوید قضایی را نمیشود مفصل کرد مگر بحکم قانون. بنده کاری که کرده ام عبارت بوده است از انحلال تشکیلات عدلیه بکتهای کاربست که

مکرر در این مملکت سابقه داشته. یا اینکه عده محاکم را کم و زیاد کرده اند یا اینکه اصلاً تشکیلات يك شهر را منحل کرده اند فقط در اینجا يك مسئله هست که باید این را عرض کنم و زود هم از این قسمت بگذرم (چون با ارادتی که خود آقا میدانند بنده با ایشان دارم البته نمیخواهم در این قضایا وارد يك مباحثاتی بشوم که خیلی طولانی بشود) و آن این است که فرمودند نمی دایم از روی چه نظری اینکار شده. غرض را از مردم پیرسید. از همه پیرسید. از هر کسیکه میخواهید پیرسید. از این شهر پیرسید.....

بعضی از نمایندگان - صحیح است

بهبهانی - ولو مردم موافق باشند جهت قانون لازم دارد

وزیر عدلیه - بنده با اطلاع خودتان بشهادت خودتان میل نداشتم وزیر عدلیه بشوم. بنده تمام این مسائل و مسائلی را که ممکن است بعد پیش بیاید پیشترینی میکردم بنده می دانستم این عدلیه که از اول مشروطیت که مردم آمدند خواستند کاری بکنند و پدر محترم شما بانی آن بود برای این بود که عدالت خانه درست کنند همین مشروطیت از روزیکه آمد و پایه عدالتخانه را خواست بزمن بگذارد از آروز تا بحال يك تشکیلاتی شد و کارها بيك ترتیبی شد و امور بيك شکلی جریان پیدا کرد که مردم همه ناراضی و همه مایوس و همه بدبخت و بیچاره شدند (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

و با وجود اینها بنده میدانم همینطور میباشد خوب چرامیباشد؟ يك چیزی را که همه برخلاف آن بودند چطور باقی مانده؟ برای اینکه بنده میدانم يك اشخاص مؤثر و يك اشخاص متنفذ از آن اساس تقویت میکنند حمایت میکنند وای بحال آن کسی که نهور بخروج بدهد دست به آن اساس بزند بنده اینها را میدانم همین جهت بود که بنده نمیخواستم وارد اینکار بشوم بالاخره عجزاً کاری است شده آروز که بنده اینکار را قبول کردم بیه همه

عمادی - هیچ نهی نیست

وزیر عدلیه - بنده نشستم. فکر کردم و راهی برای اصلاح این قوه و ترتیب این دستگاه ندیدم مگر اینکه اساساً بگویم عجزاً این تشکیلات منحل و روی يك اساس دیگری يك بنائی بگذاریم و مدعی هستم که اگر سنک جلو پای بنده انداخته نشود.

اگر بطور مستقیم یا غیر مستقیم یا بنده مخالفت نشود اگر با يك روح صمیمانه زیر بال این کسی که آمده است و يك چنین مسؤلیتی را روی دوش خودش گذاشته است بگیرند.

اگر با فکر اصلاح كلك بشود بنده مدعی هستم که آنوقت باندازه که مصالح موجوده در این مملکت اجازه میدهد باندازه که هر کس نگاه کند بگوید بهتر از این نمیشد ساخت چون خدای من شاهد است و بهر چه تصور کنید پیش من مقدس است من با يك نیت پاکی میخواهم يك کاری کنم نه نظر خصومت است و نه ملاحظه از هیچکس و میخواهم يك کاری کرده باشم که همه مملکت خدمت کرده باشم و اگر بتوانم بله نظر شخصی ام این است که يك نیک نامی هم از برای خودم تحصیل کرده باشم و این نظری بود که بنده را وادار باینکار کرد و پیش از این بنده وارد این قسمت نمیشوم فرمودند اینچنان نوشته شده که بعد از آزمایش و امتحان در عمل مجلس پیشنهاد می شود و صحبت کردند از مسئله تشکیلات که خوب چندین سال تجربه شده حالا نازه بگویند بد است؟ بله بله بنده میخواهم این کفر را بگویم و بگویم این تشکیلات غلط است سر من را باید برید؟ میفرمایند بعد از چند سال تجربه میگویند غلط است. بل بعد از تجربه معلوم شده است که غلط است اگر از اول معلوم بود غلط است که این کار را

می کردند پس از چند سال تجربه معلوم شده است که این تشکیلات با احوال مملکت ما تناسب درستی ندارد. اما اینکه فرمودند اموال مردم را نمی شود مورد آزمایش قرارداد اموال مردم مورد خیلی چیزهای دیگر گذاشته شده است. و ما نباید تا بحال گذاشته باشیم. بعلاوه اینها قسمتهائی است که باید در خود ماده داخل این مذاکرات شد و راجع فوریت نیست و بعقیده بنده بیش از این راجع باین قسمت نباید صحبت کرد میفرمایند مسئله مهم است و باید بود بکمیسون عدلیه و در آنجا مشاوره شود. بنده هم کاملاً تصدیق دارم مسئله مهم است ولی بدبختانه ناچارم از آقا خواهش کنم در عین اینکه میدانم خواهش مرا نخواهند پذیرفت و همچنین از سایر آقایان که امروز در فوریت را تصویب بفرمایند بجهت اینکه امروز باید اینکار بگذرد و معلوم شود که باید يك کاری بکنیم یا خیر و بالاخره آخر مردم هم يك کاری با این عدلیه دارند این دستگاه بسته. مردم هم معطل تا این مسئله بود بکمیسون و جلسه کمیسون اکثریت پیدا بکند یا نکند. چه بشود خلاصه يك ماه دو ماه طول بکشد و بنده هم مسؤول این وضعیات باشم آنوقت بگویند (این بود) خوب معلوم است. بنده هم نمیتوانم این ترتیب را قبول کنم و نمی می کنم از آقایان که مذاکرات در این خصوص را بیش از این طول ندهند و لطف بفرمایند و همین امروز رای بدهند و مجلس در این موضوع تکلیف را معین کند و امیدوار هستم که اگر آقایان موافقت بفرمایند کاری بکنم که اسباب بی آبرویی خودم نباشد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - نسبت بکفایت مذاکرات مخالفید

آقا سید یعقوب - بل

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده چون اجازه ندارم وارد

در اصل مسئله بشوم ولی صبح هم خدمت آقای وزیر عدلیه عرض کردم که بنده خودم را حقیقه سریل صراط می بینم این مسئله واقعاً کار مشکل و سختی است ولی بنده خواستم در اطراف این موضوع صحبت بشود و مخالف و موافق بیشتر از این صحبت بدارند که زمینه مطلب در دست بیاید و معلوم شود که چه نظرانی است و بعضی اینکه يك نفر مخالف اظهاری کرد و آقای وزیر عدلیه هم صحبت کردند بگوئیم مذاکرات کافی است.

همادی - در اصل ماده مخالفتان را بفرمائید.

رئیس - رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان

موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهاد شده است که

فوریت قسم اول با ورقه رای بگیریم.

(دو فقره پیشنهاد بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم فوریت اول با ورقه رای گرفته

شود. شیروانی. احتشامزاده، دشتی، محمود رضا.

کی استوان

بنده پیشنهاد میکنم راجع فوریت اول با ورقه اخذ رای

شود. شریعت زاده. دکتر سنک، دادگر. حائریزاده

دیوان بیگی.

رئیس - رأی گرفته میشود با اوراق فوریت قسم اول

یعنی يك شوری. آقایانی که تصویب می کنند اوراق

سفید خواهند داد و کسانی که رد می کنند اوراق کبود

(اخذ آراء بعمل آمده نتیجه بترتیب ذیل حاصل گردید)

ورقه سفید علامت قبول ۶۹ ورقه کبود علامت رد ۳

رئیس - عدّه حاضر صد و يك با صوت و نه رأی

تصویب شد فوریت قسم دوم مطرح است. آقای آقا

سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - خود مجلس شاهد است که در این

مسئله راجع باوضاع مختل عدلیه بنده شرح مفصلي در

اینجا عرض کردم و حقیقه در موضوع ترتیبات عدلیه باندازه آروز صحبت کردم که بعضی از نمایندگان محترم در اینجا به بنده نوشته بودند که راجع بمحاکم صحبت نکنید که شاید بعضی چیزها واقع نشود. ولی بینی و بین الله از هر جهت باعث تکراری بود و از آنطرف هم چون بنده سابقه ارادت با آقای داور (وزیر عدلیه) دارم و در دوره چهارم و پنجم هم مخصوصاً در يك فراکسیون بودیم نظر ایشان را بینی و بین الله تصدیق میکنم و حقیقه خودم را در اینموضوع متحیر میدانم و قلب بنده می لرزد که الان مجلس يك رأی بيك ماده که آقای وزیر عدلیه پیشنهاد کرده اند بدهد و اینجاده مطرح شود و از مجلس بگذرد و بینی و بین الله از يك دفعه خواندن بنده درست ملتفت نشدم. طبع و توزیع هم که نشده و این لایحه ای که دادند خطی بود و لایحه را بنده ندیده ام و حقیقه میدانم اینجاده بجهت ترتیب تنظیم شده و اختیارات تا چه اندازه است و مطلب چیست؟ و حقیقه بنده یکی از کارهای خیلی اساسی و واجب میدانم که قوه قضائیه ما بهتر و اکمل و بالاتر از این بشود که بیشتر از این عدلیه ما مورد حمله واقع نشود و بیش از این هم مورد طعن و ضرب مردم واقع نشویم. بنده این را فوز عظیم میدانم و امید وارم آقای داور وزیر عدلیه موفق بشود که يك خدمانی بکند ولی این جور طرح آوردن را گمان نمیکنم صورت خون داشته باشد و تصور میکنم خود آقای وزیر عدلیه هم با بنده موافقت بکنند و از اکثریت مجلس هم که همه اش بی در بن تصدیق می کنند بنده تقاضا میکنم که این جور نباشند يك طرحی یا يك لایحه ای آمده است بمجلس درست است که يك بنائی خراب است بنده هم تصدیق میکنم که این بنا بقدری خراب است است که فوق اوصویر نمیشود ولی بملکتی که شوروی واقع شد برای چیست؟ اگر مملکت استبدادی است با ما بکنفر تمام زیر وزیر بشود ولی مملکت شوروی است برای اینکه

مسئله را بیشتر تحت شور قرار بدهیم. بنده اگر بخوام عرض بکنم میگویند بکنفر است و مخالف است بله مخالف ولی مجلس که کاملاً باین وزیر عدلیه موافقت دارد و میخواهد از او تقویت کند بنده هم این وزیر عدلیه را آدم بی غرض میدانم و میل هم دارد يك خدمانی بکند ولی میل دارم که این لایحه تحت شور بیاید و لااقل طبع و توزیع بشود و ناروز بکشنه محالی باشد که در آن مطالعه بشود زیرا حقیقه بنده ماده را ندیده ام فقط آقای امیر تیمور بکدفعه ماده را خواندند و چون حکومت شوروی است لله خوب است صبر کنند. بنده نمیخواهم بدو ک حمله کنم فقط درد کار را عرض میکنم. قوه قضائیه است جوان آمده و دامن هم برگرزده و میخواهد این قوه قضائیه را درست کند و بنده هم میخواهم در این عقیده شریک ایشان باشم ولی عرض میکنم که این ماده را خوب است طبع و توزیع کنند و برای روز بکشنه مطرح شود تا با بصیرت نام همه مان در رای دادن شریک باشیم. دکتر سنک - سوادش را خدمتتان میفرستیم.

آقا سید یعقوب - آقا اجازه بدهید بنده عرض

خود را بکنم صحبت شما همان آرائی است که همیشه میدیدید و رمن غلبه دارید. بنده عرض میکنم بطوریکه خودتان هم تصدیق دارید يك مردی وارد میدان مبارزه شده است این میدان مبارزه بزرگی است و حقیقه کار مشکلی است و این شخص پشتیبان لازم دارد و پشتیبانان او رای میدهند ولی مقصود این است که طوری نباشد که فردا او را منزول کنند.

بنده وقتی که رای بدم دیگر ممکن نیست اگر مردم را ببرند از رای خودم برگردم بنده صبح رای نمیدم و عصری برگردم بنده میخواهم با بصیرت و مطالعه این کار بگذرد و در اصلاح عدلیه شریک داور باشم از اینججهت تقاضا دارم که اکثریت مجلس موافقت بفرمایند با این استدعای من که این لایحه طبع و توزیع شود و برای روز بکشنه مطرح شود که ما هم که مخالف هستیم شاید

توانیم در این موضوع موافقت کنیم .
 این بود عرایض بنده چون اینها يك مهاللی است
 كه حقیقه مهم است و محتاج بنظر كردن است و باماده و تبصره
 را بگذراند قرائت كردن مطالب محل نمیشود . حكومت
 حكومت شوروی است و نظر اكثریت در امور شرط است .
 بنده هیچوجه مخالف با اصلاح عدلیه نیستم خدا کند
 يك همچو روزی را كه عدلیه اصلاح شود به بینم .
 معروف است گفتند سكور از خدا چه میخواهد
 گفت دو چشم روشن البته عدلیه باید خوب شود تا
 در اینجا بنده با آقای رئیس الوزراء بگویم آقا دنیا
 كاپیتولاسیون ندارد و ما بچه مناسب باید كاپیتولاسیون
 داشته باشیم ؟ بنده اینجا فریاد خواهم زد و خواهم
 خواست همینطور كه چیزی ها بضرب شمشیر كاپیتولاسیون
 را باطل كردند ما هم باید از بین ببریم . ما ناكي باید
 دچار این تنگ باشیم و ناكي باید ایران دچار این تنگ
 باشد كه قضاوت خارجه در ملكت ما باشد بنده از خدا
 میخواهم كه يك روزی عدلیه اصلاح شود .
 بعضی از نمایندگان - صحیح است
 وزیر عدلیه - بدون تعارف بنده میخواهم نسبت
 بسهم خودم از آقای آقا سید یعقوب تشكر كنم . واقعا
 این قبیل مذاکرات تنها چیزی است كه علاوه بر اراده
 و فكر خود آدم ممكن است شخص را تشویق بكنند و
 كلك بكنند كه بگراهی را كه الهیان میخواهد برود او را
 تعقیب و دنبال بكنند و البته از سابقه ایشان در آزادی
 خواهی غیر از این چیزها انتظار نباید داشت . بنده
 هم در اساس قضیه كه فرمودند باید مشورت و مطالعه
 كرد حرفی ندارم ولي از طرف دیگر بآن ملاحظه ای كه
 بنده میکنم میخواهم از ایشان خواهش كنم و این ورقه
 را كه موجود است الان خدمتشان خواهم داد تا او را
 درست ملاحظه فرمایند و با آن هوش تندی كه ایشان
 دارند همین چند خطی كه اینجا است الان ممكن است

ملاحظه فرمایند سایر آقایان هم كه مطالعه فرموده اند و
 بگذارند همین امروز تكلیف این قضیه معلوم شود
 رئیس - آقای باسائی
 باسائی - موافقم
 رئیس - آقای افسر
 افسر - بنده توضیحی میخواهم اجازه میفرمائید؟
 رئیس - راجع به فوریت است
 افسر - بلی بنده ماده را درست ملتفت نشدم توضیحی
 میخواهم
 رئیس - دخالت در فوریت دارد ؟
 افسر - بلی دخالت در رای بنده نسبت به فوریت دارد
 رئیس - بفرمائید
 افسر - در اینجا كه نوشته شده است مستخدمین
 نازه خواهند آورد هیچ اشاره نشده است كه با مستخدمین
 سابق چه خواهند كرد ، دیگر اینکه این قانون را كه
 میخواهند در آن آزمایش كنند استیناف و تمیز خواهد
 داشت یا نه محكمه ساده خواهد بود ؟ خوب است اجالا
 يك توضیحی بدهند كه مرا مستحضر فرمایند چون اگر
 اینطور باشد بنده فوری میدام و عقیده ام این است كه
 باید دو شور بشود و يكمیسبون هم برود و اگر غیر از این
 باشد بنده هم موافقم
 رئیس - كجای نمیکم این مسئله در فوریت مداخله
 داشته باشد
 آقای باسائی
 باسائی - سؤالانی را كه آقای افسر فرمودید چند
 قسمت بود یکی اینکه این اشخاصی را كه بدون سابقه
 دعوت می كنند آن اشخاص سابق را چه خواهند كرد ؟
 بعد از مسابقه و امتحان البته اگر اشخاص سابق ببرد

قضاوت خوردند كه میدانند و الا در قسمتهای اداری عدلیه
 مشغول خدمت خواهند شد . شغل منحصر به تشکیلات
 قضائی و محكمه نیست . ما مخصوصاً بار كه ها و مستنطقین
 را قاضی نشناختیم . شعبه های ثبت اسناد داریم . كارها
 و ادارات دیگر است كه ممكن است بانها آن كارها را بدهند
 قسمت دیگر كه فرمودند این بود كه در تشکیلات محاكمی
 كه میدهند استیناف و تمیز دارد یا خیر ؟ این مسئله در
 قانون اساسی پیش بینی شده است و يك ماده صریحاً
 هست كه در مراکز ایالات محاكم استیناف تشكيل میشود
 این بدیهی است . منتهی تشکیلات بسیط تر خواهد بود
 مثلاً الان محكمه استیناف چهار تا عضو دارد در آتیه
 شاید كمتر از چهار عضو بشود الان در طهران
 چهار پنج محكمه است . آنوقت شاید یکی برود كرامت شاه
 و یکی برود به بوشهر و از این قبیل اصلاحات و جرح و
 تعدیلات بشود . زمینه و متن مطلب همان است منتهی
 يك اصلاحاتی كه نفع مردم خواهد بود بعمل خواهد آمد
 يك مسئله دیگر كه آقای آقا سید یعقوب فرمودند
 (بنده هم از ایشان تشكر میکنم و همه فرما یشتان هم
 موافقت بود) راجع بابنكه حكومت شوروی است . باید
 خدمتشان عرض كنم كه اگر این لایحه (یعنی ماده واحده)
 را بخوانند ملاحظه خواهند فرمود كه در آنجا مخصوصاً
 قید شده است : كمیسوینهای تشكيل میشود - و همین
 معنی شوروی است . یعنی بشور اشخاص بصیر يك
 كمیسوینهای برای اصلاح قانون محاكمات و برای اصلاح قانون
 تشکیلات عدلیه و برای قانون استخدام قضات معین میشود
 يك كمیسون برای اصلاح قانون محاكمات . یکی برای
 اصلاح قانون تشکیلات و يك كمیسون برای قانون
 استخدام قضاة و این سه چهار كمیسون می نشینند و
 اصلاحاتی كه در قوانین لازم است میکنند و انشاء الله
 موافقتی در كار حاصل میشود و هیچ نگرانی هم ندارد .
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات كافی است .
 بهیانی - بنده مخالفم

رئیس - با كفايت مذاکرات مخالفتی ؟ بفرمائید
 بهیانی - بنظر بنده مطلب خیلی مهم تر از آن است
 كه بايك مذاکرات جزئی درش رای داده شود . بالاخره
 يك ماده را كه فقط بكنفر از وزراء باقاي آقا سید یعقوب
 دادند و سایر آقایان نمایندگان هیچ ندیده اند
 و نسنجیده اند . مجلس در يك همچو مسئله كه بالاخره زبر
 و رو كردن يك عدلیه كه مرجع امور ملكت است
 میخواهد دخالت بكنند و يك رای بدهد بنده تصور میکنم
 بهتر این است كه اكثریت اقبالاً اجازه بدهند كه مخالفین
 حرفهای خودشانرا بزنند و عقیده بنده اینطور كه بكنفر موافق
 و بكنفر مخالف حرف بزنند و رأی گرفته شود كار خوبیست .
 رئیس - رأی گرفته میشود بكفايت مذاکرات .
 آقایان بكنه مذاکرات را كافی میدانند قیام فرمایند
 (اكثر برخاستند)
 رئیس - تصویب شد . پیشنهاد شده است باورقه
 رأی گرفته شود قرائت میشود .
 (دو فقره پیشنهاد بشرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم كه به فوریت دوم رای باورقه
 گرفته شود . نوبت - جوانشیر - حائری زاده - فرشی
 پیشنهاد میکنم راجع به فوریت ثانی باورقه اخذ رای
 شود . شریعت زاده . دكتر سنك . دادگر دیوان بیگی .
 حائری زاده .
 رئیس - آقای دكتر مصدق
 دكتر محمدخان مصدق - بنده در اصل موضوع
 عرض داشتم .
 رئیس - در موقعش اشاره خواهیم فرمود . رای
 گرفته میشود به فوریت قسمت دوم باورقه . آقایان كه
 موافقت اوراق سفید خواهند داد .
 (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل
 حاصل شد)

اوراق سفید علامت قبول ۷۳ ورقه کبود علامت رد ۳۵ رئیس - عده حضار ۹۹ با کثرت ۷۳ رای تصویب شد اصل ماده مطرح است. ماده واحده قرائت میشود (بشرح آتی خوانده شد)

ماده واحده - وزیر فعلی عدلیه مجاز است بوسیله کبسیونهای مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع باصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و بموقع اجرا بگذارد ناپس از آزمایش در عمل بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

کبسیونهای مذکوره چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل میشوند (مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که بوسیله کبسیونهای فوق الذکر در ظرف چهار ماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده بقوه خود باقی است)

تبصره - وزیر فعلی عدلیه میتواند اشخاصی را که لازم میدانند اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه برای مؤسسات اداری و محاکم عدلیه انتخاب نموده مؤسسات و محاکم را از آن اشخاص دائر نماید

این اعتبار برای مدت چهار ماه از تصویب این قانون است رئیس الوزراء - حسن وزیر عدلیه - داور رئیس - آقای بهبهانی.

بهبهانی - مذاکرانی که اینجا میشود در ترتیب این قانون و فوریت این قانون و ضمناً تصدیق عملیات سابقه هم میشود. اینها روی اصل اصلاحات است و البته این مطلب مسلم است چنانچه همه آقایان هم شاید موافق باشند که عدلیه محتاج بیک اصلاحاتی است و بنده هم در اینباب مخالف نبودم و کاملاً معتقدم که عدلیه محتاج بیک اصلاحاتی است ولی اختلاف نظر در طریق اصلاح است آقای وزیر عدلیه میفرمایند این اصلاح را صلاح دانستم و کردم بملاحظه اینکه مردم تصدیق میکردند باینکه عدلیه اصلاح لازم دارد. بنده هم تصدیق میکنم و مردم

هم تصدیق میکنند باینکه باید عدلیه اصلاح شود ولی باید قوانین موضوعه و اصول قانون اساسی را در نظر داشت که راه اصلاح عدلیه بوسیله انحلال عدلیه است؟ یا اصلاح عدلیه باید بموجب قانون و ترتیبات قانونی بشود؟ فقط خواستن بنده یا مردم یا وزیر عدلیه کافی نیست برای انحلال عدلیه. چرا؟ برای اینکه بنده تصور میکنم انحلال عدلیه موجب قانونی میخواهد و علاوه بر اینکه در قوانین جاریه هیچ باب موجب اشاره نشده بیک اصولی از قانون اساسی و بیک موادی از مواد قوانین جاریه را من برخلاف این انحلال میدانم. اگر بنا بود که فقط خواستن مردم یا محتاج بودن باصلاحات کافی باشد البته تصدیق میکنند بعد از آنکه مردم اعلیحضرت پهلوی را خواستند ممکن بود بدون آنکه تشکیل مجلس مؤسسان بشود و نظر حافظه و نظر حفظی نسبت بقانون داشته باشند بگویند من شامم داعی نبود که این همه ترتیبات قرار بدهند، این همه زحمت ها که کشیده شد برای این بود که قانون دست نخورد. قانون اساسی بیک قانونی است که همه ماها ملتزم شده ایم شرعاً و عرفاً بمحفظ آن. البته تصدیق میکنند که عدلیه یکی از اساس و اجزاء اساسی مشروطیت است و اساس مشروطیت جزء و کلاً تعطیل بردار نیست انحلال عدلیه تعطیل بیک قوه از قوای مملکتی است. انحلال عدلیه تعطیل اساس مشروطیت است و اینکه آقایان اینجا نسبت میدهند و میگویند این مسئله سابقه دارد. بنده تصور میکنم هر سابقه که بر خلاف اصول قانون اساسی باشد یا برخلاف ماده از مواد قوانین جاریه باشد برخلاف است و مشروعیت قانونی ندارد و مادام که این قوانین بقوت خود باقی هستند نمیتوان اساس مشروطیت را متزلزل و تعطیل کرد. اساس مشروطیت بر حسب مواد قانون اساسی که همه ماها به حفظ آن قسم خورده ایم جزء و کلاً تعطیل بردار نیست چه رسد باینکه منحل شود. البته تصدیق میفرمایند که

انحلال بالاتر از تعطیل است این اولاً و ثانیاً اینکه فرق است بین ولایات و مرکز. اگر در بیک جائی عدلیه موافق قانون یا مخالف قانون تعطیل شده باشد این مربوط به مرکز نیست...

عمادی - ولایات یا مرکز چه فرقی دارد!

بهبهانی - دارم عرض میکنم. اگر اجازه بفرمائید عرضم را بکنم ممکن است بعد تصدیق یا تکذیب بفرمائید اولاً اگر عدلیه بیک جائی را منحل بکنند یا اینکه تعطیل نمایند جلوی محاکمات مردم و مرجعیت مردم گرفته نمیشود چرا؟ برای اینکه بر حسب قوانین جاریه میتوانند دعاوی و تظلمات که دارند به عدلیه نزدیکتر رجوع کنند ولی در مرکز اینطور نیست. وقتی عدلیه مرکز را از بین بردند جمیع محاکم عدلیه از استیفاء و تمیز و ابتدائی و صلحیه از بین میرود. اساس مشروطیت بیک پایه بزرگش روی قضاوت و قوه قضائیه است و در عرض دو قوه دیگر است و حاکم بر دولت و بر وزارت وقتی این قوه از بین رفت آنوقت آن ماده از قانون اساسی که میگوید: اساس مشروطیت جزء و کلاً تعطیل بردار نیست معنیش چیست؟ از انطرف فرق است بین تعطیل عدلیه بیک جائی و انحلال عدلیه. چون گاهی شنیده میشود که میگویند روزهای تعطیلی چطور عدلیه نیست؟ ممکن است ده روز عدلیه تعطیل باشد. این صحیح است اما تعطیل غیر از انحلال است فرق اینجا است که بیک مدعی عمومی محکمه دیوان عالی تمیز ولو اینکه تعطیل هم بشود در موقع تعطیل هم حق دخالت در کار دارد. شب هم که مدعی العموم توی رختخوابش میخواهد مدعی العموم است روز هم که توی محکمه میآید میشنید مدعی العموم است پس اگر بیک جائی جنحه یا جنایت اتفاق بیفتد ولو اینکه عدلیه هم تعطیل باشد مدعی العموم میتواند دخالت کند ولی وقتی که عدلیه منحل شد این حیثیت از او گرفته میشود اینجا است که اساس مشروطیت تعطیل شده است

در قانون بیک اقتداراتی برای هیئت مقننه و هیئت قضائیه و هیئت مجریه قائل شده اند و البته آقایان تصدیق می فرمایند که قواء و استقلال و حاکمیت قوه مقننه بالاتر از دو قوه دیگر است و بعد از آن بیک استقلال و حاکمیتی برای قوه قضائیه هست. چرا این دو قوه را باین درجه اختیار داده اند؟ در روزیکه این قانون نوشته شده است بیک قوم و خویش و بیک سابقه با اعضاء عدلیه یا با وکلاء مجلس که نداشته اند! این اقتدار لازمه این دو قوه بوده است. برای اینکه قوه مقننه باید من جمیع جهات و حیثیات آزاد باشد تا بتواند عقاید خودش را ازادانه بگوید. قوه قضائیه هم در قسمت محاکمات مردم و حکومتی که می کند شریک است یاو. پس قوه قضائیه باید بجمیع الجهات آزاد و مستقل باشد و اگر ملاحظه بفرمائید چه در قانون اساسی و چه در قوانین جاریه بیک استقلال فوق العاده برای این دو قوه قائل شده اند که آن استقلالی که برای این دو قوه است برای قوه مجریه نیست. بلکه قوه قضائیه را حاکم قرار داده اند بر قوه مجریه و قوه مجریه این حکومت را به قوه قضائیه ندارد و نباید هم داشته باشد برای اینکه قوه قضائیه باید آزاد باشد زیرا اگر بیک قاضی بترسد از اینکه اگر من بر وفق نظر خودم ازادانه عقیده خودم را بگویم مورد نظر فلان وزیر یا فلان بالاز یا فلان هیئت دولت واقع میشوم هرگز نمیتواند برویه آزادی در حقوق مردم فصل خصومت کند. بی بنده هم میخواهم عرض کنم که قوه قضائیه باید اصلاح شود ولی البته آقایان در نظر دارند که در قوانین جاریه برای اصلاح قوه قضائیه بیک پیش بینی هائی شده است و بهتر این بود که آقای وزیر عدلیه یا هیئت دولت حاضره بطریق قانون جلوی این بی قانونی را میگرفتند. اولاً محکمه انتظامی بود. ممکن است آقای وزیر عدلیه بفرمایند این محکمه انتظامی فایده نداشت و اجزایش خوب نبودند بسیار خوب این اعمال قوه که در مسئله انحلال عدلیه کرده اند این اعمال قوه را در انحلال محکمه انتظامی

میکردند و محکمه انتظامی صحیحی تشکیل میدادند و هر يك از قضات و اشخاصیکه مظنون و متهم بودند در تحت محاکمه می کشیدند و بحکم محکمه و قانون آنها را منصف می کردند که دیگر جای حرف هم باقی نباشد...

عمادی -- دو سال طول می کشید

بهبهانی -- هر چقدر هم طول بکشد باید حفظ اصول قوانین را کرد. باید قانون اساسی را که ما برای حفظ آن قسم خورده ایم تعطیل و نقض نشود.

بعضی از نمایندگان - نقض نشده است

بهبهانی - اشتباه می کنید! اساس مشروطیت که جزاً و کلاً تعطیل بردار نیست چیست؟ اساس مشروطیت سه قوه است: قوه قضائی، قوه مقننه، قوه مجریه و در حکومت مشروطه بر حسب قانون این سه قوه از متولدات ملت است. ملت این سه قوه را در عرض همدیگر تأسیس کرده منتهی قوه مقننه را بالمباشره افراد ملت تشخیص میکنند. رأی میدهند، رأی میگیرند، آراء خواننده میشود و هر کس اکثریت داشت وکیل میشود و باین قوه مقننه اجازه داده شده است که قوه قضائیه تشکیل کند از راه تدوین مواد قانونی که آن مواد قوه قضائیه را تشکیل میدهد و بالاخره هیئت مجریه را هم قوه مقننه تشکیل میدهد و در هر حال این سه قوه در عرض هم میباشند و اساس مشروطیت که جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست عبارت از این سه قوه است و لا غیر. پس همانطور که عرض کردم بهتر این بود که آقای وزیر عدلیه بیایند و وارد شوند در اینکه اصلاحات این قضایا بطور قانون و از راه قانون بکنند. اولاً محکمه انتظامی تشکیل بشود ثانیاً محکمه انتظامی را کافی نمیدانستند و نظری در تشکیلات داشتند يك قوانینی برای تشکیلات جدید چنانچه در نظرشان هست میآوردند به مجلس و مجلس هم همانطور بکه می بینید عاشقانه چیز را که در نظر گرفته اند اصلاح عدلیه است و سایر چیزها را فراموش کرده اند

ممکن بود در آن موقع مردود جهت را در نظر بگیرند و با آقای وزیر عدلیه موافقت بکنند با دولتی که طرف اعتماد مجلس است موافقت بکنند و آن قوانین را که میآوردند مگذرانند آنوقت يك بنای غیر صحیحی را (که بنده هم تصدیق دارم) خراب میکردند و این بنای صحیح را بجایش درست میکردند، آرا بر میداشتند و این را بجایش میگذارند. میگویند بنای عدلیه خراب بود من هم تصدیق دارم، تصدیق بنده هم این است که محتاج باصلاحات بود تصدیق ایشان هم روی همین قسمت است که محتاج باصلاح بود ولی بنای عدلیه، يك بنای خرابی را يك بنای صحیحی را، يك بنائی که علی العجله يك اساسی دارد و يك کاری میکند آن بنا را برداشته اند و بانتظار يك امر موهومی که هیچ نمیشود تصور کرد آن بنائی که ایشان میسازند بعد از امتحان چطور در میآید و اساساً تصور نمیکنم آن بنا از روی يك نظریه طرفی ساخته شود. چون نمیدانم از این اشخاص صالح که ایشان در نظر دارند که را قصد کرده اند و که را خواهند آورد و اشخاص صالحی را که ایشان در نظر دارند شاید در مجلس شورای ملی نمیتوانند بگویند بنده پیشنهاد کردم که برود بکمیسینون چون در کمیسینون می توانند اشخاصی را بگویند و در کمیسینون! ممکن بود نظر و خیال خودشان را بگویند. اشخاص صالح ممکن است يك عده ای بنظر بنده بیایند و بنظر ایشان يك اشخاص دیگری و هر فرد از آقایان نمایندگان ممکن است کسانی در نظرشان صالح باشند و بالاخره بنده نمیدانم این اساس نیمه کاره را که برداشتند با امیدواری کدام اساس مستحکم محکمی ما رأی بدیم. البته آقایان تصدیق خواهند کرد که وقتی که یکمزدلی خرابه باشد ولی قابل سکونت باشد و فی الجمله قابل حفظ اموال باشد نباید آنرا خراب بکنند در صورتیکه هیچ چیزی را هنوز بجای آن در نظر نگرفته اند و میخواهند فکر بکنند که چه چیز را جای آن بگذارند و بر حسب تصدیق خودشان بموجب همین شرحی که در ماده واحده نوشته اند هیچ نمی

توانند تصدیق کنند که آن موادی را که مینویسند با تشکیلاتی را که میدهند بهتر از این تشکیلات باشد زیرا مینویسند: ما آزمایش میکنیم و بعد از آزمایش بمجلس میآوریم. این معلوم است اگر آزمایش کردند...

عمادی -- همچو نیست.

بهبهانی - نوشته اند. همچو نیست؟ میگویند ما آزمایش میکنیم و بعد از آزمایش بمجلس می آوریم. خیلی خوب آزمایش کردند و دیدند که يك بنای صحیحی نیست آنوقت آن بنای ناقص را بمجلس میآورند؟ خیر نخواهند آورد البته در آن هم باید جرح و تعدیل کنند آنوقت در اینجا نوشته اند تا چهار ماه اگر آن اساس مؤسس نشد آن تشکیلات سابق بقوه خودش باقی است در اینصورت بنده هیچ نمیتوانم تصدیق کنم باینکه اولاً يك تشکیلاتی که سالها در این مملکت مؤسس بوده، سالها در این مملکت جاری بوده قریب هزار ماده برای آن تشکیلات نوشته شده و آن مواد بموقع اجرا گذاشته شده و آزمایش شده و بالاخره اینها را بدون هیچ سابقه تصدیقی از طرف نمایندگان. اقلأ آقایان تصدیق می کنند که معوق گذاشتن این تشکیلات عدلیه و اینهمه قوانین و مواد قانون عدلیه که تعطیل شده بتصدیق مجلس نشده اینقدرش که قدر مسلم است که آقای وزیر عدلیه همه اینها را تعطیل کرده اند بدون اینکه هیچ مراجعه ای بمجلس بکنند یا اینکه از مردم بپرسند یا اینکه بنده هم عاشق اصلاحات عدلیه هستم با اینکه آقایان هم عاشق باصلاح عدلیه هستند آخر فکر کنید که يك اساس مؤسس و جاری را بچه قانون حق دارند تعطیل کنند؟ ما هنوز تصدیق بمعوق ماندن این مسئله نکرده ایم که حالا بگوئیم اگر کمیسینون نتوانست کاری بکند تشکیلات سابق باز بقوه خودش باقی است و مادام که آقایان توجه نکنند و حقیقه از روی يك فکر و رویه و يك نظری راجع بدر نظر گرفتن اصلاحات عدلیه با موافقت

قانون و با تصدیق قانون و موافقت مواد و اصول قانون اساسی اتخاذ نکنند بنده نمیدانم چه صورتی پیدا خواهد کرد ولی البته در اینصورت بنده هم موافقم که اینکار را بکنند. دیگر اینکه اینجا مینویسند از اشخاص صالح این کمیسینونها تأسیس میشود و بعد از آنکه يك نظریاتی گرفتند آن نظریات را بموقع آزمایش میگذارند بعد به مجلس می آورند بالاخره بنده بعد از این مراتبی که عرض کردم با آقای وزیر عدلیه عرض میکنم چه ضرر دارد اولاً این اشخاص صالح را که در نظر گرفته اند اینجا بگویند کیست؟ اینها کجا هستند؟ البته تصدیق میکنند که اشخاص صالح در همه طبقات هستند و حتی در عدلیه بیشتر از سایر جاها هستند. در عدلیه اشخاصی هستند که هیچ سابقه سوء ندارند، در عدلیه اشخاصی هستند که هیچ اطلاعاتشان از جریان قانونی خیلی بیشتر از بنده و شما است، در عدلیه اشخاصی هستند که سالها است بطرفداری ملت و مشروطیت و حکومت ملی شناخته شده اند و هیچ لکه ای بدامان آنها نخورده، در عدلیه اشخاصی هستند که تا کنون بکنفر یا يك شخص یا يك فلان نتوانسته است بآنها ولو بر خلاف يك انهایی بزند نظرشان بآنهاست؟ نمیدانم؛ برای اینکه میگویند اشخاص صالح. صالح با نظر کی؟ من نمیدانم در خارج عدلیه هم اشخاصی هستند که آنها هم همینطور مثل آقای پیرنیا و آقای مصدق السلطنه مثل آقای پیرنیا، حاضر آقای مدرس و امثال ذالک اشخاصی هستند که هم از قانون مطلعند و هم از نظریات مردم مطلعند و هم مردم بآنها اطمینان دارند غرضشان از اشخاص صالح اینها است؟ نمیدانم بالاخره ممکن است روی این اشخاص صالح... نمیخواهم بگویم ایشان يك اشخاص غیر صالحی را خواهند آورد خیر ولی تصور میکنم که يك اشخاصی بنظر ایشان ممکن است صالح باشند اما بنظر جامعه صالح نباشند بعد از آنکه اینقانون تصویب شد بر فرض اینکه این اشخاص بنظر من و بنظر عموم و اتفاق مجلس صالح نباشند آیا

هیچ حق دارند بایشان بگویند شما بنا بود اشخاص صالح بیاورید اینها را چرا آوردید؟ میگویند حق تشخیص صلاحیت با من است. بنده عرض نمیکنم مخصوصاً میروند يك اشخاص غیر صالحی را میآورند اما البته تصدیق میکنید که ممکن است اشتباه بکنند، سهو بکنند گذشته از اینها در این باب يك چیزهای دیگر و حرفهای دیگر گفته میشود که هیچ میل ندارم آن حرفها را بزنم یا انتساب بدهم بکسی. لذا بنده با این ترتیب و اینصورت با ماده واحده بکلی مخالفم مخصوصاً با آن قسمت آخر که میخواهد بکلی اساس قانون استخدام را در ماده عدلیه تمام کند و اینرا هم بنده هیچ صلاح نمیدانم و بالاخره قوه قضائیه يك مملکتی بدست یکنفر هر چه عاقل باشد بدست یکنفر هر چه خیر خواه باشد بدست یکنفر هر چه محل توجه عمومی باشد بنده صلاح نمیدانم و این را آقایان تصدیق میکنند که باید قدری ملاحظه کرد و در يك چنین امر مهمی باین تندی که بر دو فوریت رای بدهند و در ماده هم بدون اینکه بقول آقای آقا سید یعقوب هیچکس مطالعه در آن کرده باشد یا اینکه نظری بکنند که آخرین چه جور است فوراً بر خیزند و بنشینند بنده تصور میکنم این بکفدري خارج از وظیفه ما است و بکفدري بیشتر دقت لازم است. بکفدري بیشتر توجه بحال مردم لازم است باوصف این بنده تصدیق میکنم عدلیه محتاج باصلاح است و باید اصلاح بشود ولی از راه قانون و بطریق قانون و از راه بصیرت و با مشورت مردمان بصیر با معلومات که محل توجه عامه باشند و الا باین ترتیب بنده تصور نمیکنم قابل اصلاح باشد.

وزیر عدلیه - نماینده محترم فرمودند در ابتدای بیاناتشان که شاید آقایان موافق باین باشند که عدلیه اصلاح شود. بنده کله شاید را اصلاً میگوشم صحبتش را هم نکنند. قطعاً هیچکس پیدا نخواهد شد (بنده قسم میخورم) که بیاید بگوید من با اصلاح عدلیه مخالفم...

پرهانی - همه با اصلاحات موافقت شاید هم ندارد

وزیر عدلیه - اما صحبت در سر اما است. ایران را اما گفته. البته ممکن نیست اشخاصی پیدا بشوند که بگویند فلان زرتیب یا فلان قضیه یا فلان روبهرا من اصلاً قبول ندارم. همه میگویند صحیح است، مسلم است، ما هم موافقیم، شبها هم خوابمان نمیرد، اما (خنده نمایندگان) عرض میکنم که آقا راجع بمسئله انحلال فرمودند که آیا طریقه دیگری غیر از راه انحلال نبود البته ممکن است بنظر کس دیگر یا بعقل دیگری راه دیگری میرسید ولی بنده آنچه فکر و مطالعه کردم بنظر بنده راه دیگری نیامد حالا هم این مسئله يك مسئله ایست که شده و بنده هم همچو خیال میکنم که خیلی کار مشکلی خواهد بود که بقول يك کسی این بجی که بنده انداخته ام امروزم اگر از خدمت آقایان مرخص بشوم نازه یکنفر هر قدر هم بخواهد با فکر آقا موافقت بکنند و بگویند باید باسلام وصوله این آقایان دوباره بیایند نمیشود و نخواهد شد بالاخره در این موضوع بعد صحبت میکنیم بنده میتوانم از چندکار يك کار بکنم: یکی اینکه اصلاً کار باینکار ها نداشته باشم بروم بشوم وزیر عدلیه و يك مدتی هم باندازه ای که آقایان موافقت بکنند آنجا بنشینم و کسی را هم باخودم مخالف نکنم. یکی هم اینکه بخيال اصلاح بیفتم لیکن بيك طریق دیگری - محکمه انتظامی و تقاضی و این صحبتها - آنوقت فکر کردم دیدم خوب آقایان دیگر هم که نا حالا وزیر عدلیه شده اند لابد آنها هم خیالاتی داشتند که اصلاحات بکنند و موفق نشده اند. البته نمیتوانم خیال بکنم که آنها مقصود نداشته اند که اصلاح بکنند آنها هم لابد رفته اند و آنجا نشسته اند و خواسته اند کار بکنند ولی بهمان طرق معموله خود مانی: انشاء الله ببینیم چه میشود، بتدریج چه خواهد شد. بنده مرد این کار نبودم....

پرهانی - مطابق قانون
وزیر عدلیه - قانون. آخرینده رانیز خدا برك دهد ملازم. بنده هم قانون خوانده ام می فهمم بالاخره قنوی آقا

در باب قانون آن است قنوی بنده این است و بالاخره کمان میکنم اکثریت مجلس هم بگوید موافق قانون است (بعضی از نمایندگان - صحیح است) فرمودند عدلیه اساس مشروطیت است یعنی قوه قضائیه است مگر آقا بنده منکرش شده ام؟ مگر خدای ناخواسته کسی اینجا هست که بیاید بگوید قوه قضائیه برای این مملکت لازم نیست؟ صحبت در این است که می خواهیم يك قوه قضائیه پیدا کنیم بمعنای صحیح این کلمه (بعضی از نمایندگان - صحیح است) و بعلاوه این تشکیلات که مکرر در این مملکت تغییر کرده بکروز بيك شکلی بهم خورد و بکمرته دیگر هم بيك شکل دیگر بهم خورد و این دفعه سوم است شاید اینهم از نقطه نظر اینکه هیچ دولتی نیست که سه نشود پیش آمد ولی در هر حال همه صحبت در ساختن بعدش است و البته تصدیق میفرمائید که در دوره پیش وقتیکه عدلیه خراسان منحل شد آقا در مجلس تشریف داشتید خبر هم که مخفی نمانده بود چطور شد آن روز حرف نزدید؟ یا اینکه طهران خاصه است سایر شهرها خرچی؟ بنده که این اصل را قبول نکرده ام. بسیار خوب چطور شد. امروز که بنده میخواهم این مسئله را انجام بدهم آقا اینهمه حرارت میفرمائید؟ اینقدر اصرار میفرمائید. در فوریتش نباید رای داد در فوریت دومش هم مخالفت میفرمائید (بنده خیلی عذر میخواهم که در مقابل آقا شخصاً این عرایض را میکنم) ولی این فرمایش را که میفرمائید - خوب عدلیه مشهد را هم که پارسال تمام تشکیلاتش را منحل کردند چرا آنوقت نفرمودید؟ اگر نظر مهر بوزیر عدلیه وقت بوده است بنده چه بی ارادگی کرده ام؟ اگر نظر بحفظ قانون بوده خوب قانون که فرق ندارد بین طهران و خراسان. حالا میآئیم سر يك نکته که فرمودند (اشخاص بصیر کبها هستند؟) و این اشخاص بصیر را بنده اسم ببرم عرض کنم بنده خیلی فکر کردم در نوشتن اینماده حقیقت واقع را عرض میکنم و بالاخره این عقیده را پیدا

کردم (خیلی ساده) مرگ بکمرته! شیون بکمرته! یا اینکه مجلس شورای ملی به شخص بنده که متصدی این امر شده ام (حالا ممکن است يك کسی را از اقصی نقاط عالم فقط اسمش را بشنوند بیاورند و این اختیار را باو بدهند) ولی بنده که در خدمت آقایان بوده ام میآیم مدعی میشوم که این کارها را میکنم اقا آنچه را که بنده لازم میدانم نه آنچه را که آقایان تشخیص میدهند ممکن است آشکارها لازم باشد ولی آنها از بنده ساخته نمیشود بنده باین وسیله میتوانم کار بکنم و اینطور تصور کردم که اگر این اختیارات را مجلس مقدس شورای ملی به بنده بدهد ممکن است موفق بشوم و اینکار را بکنم حالا اگر يك طریق دیگری به نظر آقایان میرسد ممکن است اساساً درش بحث شود ولی بنده نظر خودم را عرض میکنم بنده در این مملکت يك تجربه های کلی دارم و تصویری کنم در يك همچو موردی بنده اسم یکی از اشخاص را ببرم همانوقت ممکن است اشکالاتی پیش بیاید ولو اینکه بنده بهترین خوبها را اسم ببرم. بنابراین حالا بهیچوجه داخل در این قسمت و جزئیاتش نمیشوم. راجع بانحلال عدلیه هم خوب است حالا که عدلیه منحل شده است هیچ صحبتش را هم نکنید. يك وزیر دیگر هم اگر فردا بیاید مگر عدلیه را از نو تشکیل بدهد ولی این عدلیه منحل شده. خوب حالا می خواهیم به بینیم که اشخاصی را اینجام اسم نبردم. چون فرمودند اینجا نمیگوئید در کمیسیون بگوئید - بنده از همین سیرتم زیرا اگر کار بیاید در کمیسیون عدلیه چون آنجا بکفدري خصوصی ز و خودمانی ز صحبت میکنیم ممکن است بنده يك اشخاصی را بگویم و آقایان يك اشخاص دیگر را بگویند و اشخاصی را که آقایان میگویند خیلی خوب باشند ولی بنظر بنده آن اشخاص خوب نباشند و اتفاقاً بنده مسئولم. مسؤلیت را میدانید که اگر معمولاً يك حرفی را بکفدري متعارفی ملازم بگیریم اتفاقاً وضعیت طوری دیگر میشود مسؤلیت معنای خاصی و عمیقی دارد شوخی نیست بنده مسئولم. خوب آقا.

اگر بنده مسؤل شما تمام وسایل کار را باید بنظر بنده بگذارید. بنده که اصراری ندارم خدای احد و واحد شاهد است که بنده اصراری ندارم. آقایان امروز بفرمایند که این روبه ات را نمی پذیریم از همین جا خدا حافظی میکنم و مرخص میشوم و استعفا هم را تقدیم میکنم بنده بعقیده ام اینطور رسید که در این مملکت چه عیب دارد که يك نفر ایرانی اهل این مملکت بیاید و خودش را بآب و آتش بزند و سعی کند يك چیزی از آب بیرون بیاورد البته اگر گذاشتند و شد چه بهتر از این ولی بنده از اول بار چرا يك چیزی بگویم که بر بخورد یا بگویم سنك میخواهند پیش بایم بیندازند - خیر میگویم اگر يك طریقی میخواهند جلوی پای بنده بگذارند که قلم پای بنده حاضر نیست از آنجا برود نخواهم رفت نه هیچ نده را به هیچ استان کاری نیست نمیخواهید این اختیارات را بدهید؟ ندهید اگر از بنده قبول می کنید این مسئله را که يك کاری بتوانم بکنم اینطور میخواهم اگر میل ندارید البته مختارید البته مجلس شورای ملی است آقایان سابقه دارند. تجربه دارند. زندگانی اجتماعی دارند قوانین اساسی را میدانند فکر مردم و ملت هستید. قانون را میدانید. حفظ قانون را در نظر دارید البته آنوقت چرا باید يك کسی که آمده است میگوید من میخواهم اینطور کار بکنم و بعقیده شما يك نگرانی هائی را تولید کند اختیار بدهید و در آخر اینرا هم عرض کنم که فرمودند خوب اگر دیدیم این آدم يك اشخاصی را انتخاب کرد که واقعا صلاحیت ندارند یا باشتباه یا بهر ترتیب دیگر آنوقت چه میشود؟ هیچ طوری نخواهد شد. الوقت آقایان در این مجلس با میشوند سؤال ممکن است بکنند استیضاح ممکن است....

آقا سید یعقوب - استیضاح را فرمائید.

(خنده نمایندگان)

وزیر عدلیه - خیر. خودم حس میکنم که اکثریت مجلس شورای ملی نمیخواهد و آن شخص را غیر صالح میدانند

و بنده هم يك کاری کرده ام و خبط شده و اینکار پیش نمیرود خودم میروم ولی امروز شما هر چه بگوئید من میگویم شما حق ندارید بطور مساعدت اعتراض کنید - من که هنوز کاری نکرده ام امر هم که امر قطعی نیست - انتخاب وکیل برای مجلس شورای ملی نیست که برای دوسال باشد که خدای نکرده بعد اگر کاری کرد شما نتوانید کاری بکنید خیر - بگفته اشخاصی را يك روزی بموجب اجازه که مجلس داده است آورده است وقتی دیدند بد انتخاب شده آن وزیر را می اندازند بیرون و يك وزیر دیگر می آید (چون در مورد خودم بود این عرض را کردم) و آن تشکیلات را بهم میزنند و آن اشخاص و کلسیون را بهتر و درست تر انتخاب می کنند و خلاصه بشکل دیگر درمی آورند - اینها يك چیزهائی نیست که تصور کنید اگر امروز آمدید يك کاری را کردید خدای نکرده دنیا بهم بخورد خیر - اختیار در دست شما است باین مقدمات بنده تصور میکنم که جای نگرانیهای فوق العاده نباشد حالا هم بسته است بنظر آقایان.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(بعضی گفتند - کافی نیست)

رئیس - آقای حاج شیخ بیات. راجع بعدم کفایت فرمایشی دارید؟

آقا میرزا نصره الله (بیات) - آقای آقا سید یعقوب

اظهار می کنند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این که آقای بیات اجازه شان را به بنده دادند برای این بود که چون بنده مخالف اکثریت مجلس رجم نمیکند - از این نظر اظهار نکردند. ولی بنده عرض میکنم اینماده که آقای وزیر عدلیه پیش بنده فرستادند و ملاحظه کردم بعضی پیشنهاد ها دارم و یقین دارم بعضی از آقایان هم نظرمانی دارند از این که يك نفر مخالف حرف بزند و

يك نفر موافق تصدیق کند نمیشود.

اینهمه عجله نداشته باشید. دو رای بفوریت اول و دوم گرفته شده و مسلم هم امروز رای خواهند داد ولی باز عقیده بنده همان است که عرض کردم و خود آقای وزیر عدلیه هم فهمیدند که عرض بنده از نظر مخالفت نیست از نظر این است که قضیه درست حل شود که نگویند اقلیت در اینجا بوده است از اینجهت است که عرض میکنم بیشتر در اطرافش صحبت شود.

رئیس - رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات - آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - چون بعضی از آقایان اجازه خواسته اند اگر مجلس موافق است چند دقیقه تنفس داده شود.

جمعی از نمایندگان صحیح است

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای دکتر مصدق مخالف هستید؟

دکتر مصدق - بنده عرضی ندارم -

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای حاج آقا رضا (رفیع)

رفیع - موافقم

رئیس - آقای خواجوی

خواجوی - بنده موافقم

رئیس - آقای مهدوی

آقا رضا مهدوی - موافقم

رئیس - آقای افسر

محمد هاشم میرزا (افسر) - بنده يك سؤالی از آقای وزیر عدلیه داشتم و می خواستم از این جریان و تشکیلاتی که میخواهند بدهند مسبوق شوم که بدانم مخالف باشم یا موافق و آنوقت هم در فوریت میخواستم حرف بزنم که سوء تفاهم شد و آقای یاسائی هم تصور کردند بنده قانون اساسی را نخوانده ام بنده میدانم که در قانون اساسی محاکم استیناف برای ایالات هم هست و همه اینها در آنجا هست ولی بنده میخواستم بدانم که نظریه آقای وزیر عدلیه در این موضوع چیست؟ و همان طور بکه در امور شرعیه وقتی بشرح رجوع میشود قابل استیناف و تمیز نیست در امور عرفیه هم می خواهند ترتیبی بدهند که حتی الامکان به حکمیت ساده بگذرد و مخالفتی هم با قوانین نداشته باشد و بالاخره ترتیبی بدهند که محتاج به استیناف و تمیز نباشد چنانکه در امور شرعیه محتاج نیست یا خیر؟ - اگر این طور است بنده موافقم و اگر نیست که بنده مخالفم - حالا نظریاتشان را بفرمایند تا بعد بنده عرضم را بکنم.

وزیر عدلیه - عرض کنم - اگر بطور کلی و اصولی سؤال بفرمایند که آیا نظر این خواهد بود که در طرز تشکیلات و اصول محاکمات حتی الامکان تا آنجائی که هر دو نظر رعایت بشود یعنی یکی قطع و فصل دعاوی بسرعت بشود یکی دیگر اینکه نامین عدالت هم بشود. چون البته بسرعت میشود قضا با را حل کرد ولی خیلی اوقات ممکن است که قسمت دوم نامین نشده باشد. اگر در حدود ایندو شرط که هم باحقوق حق نزدیک بشود و هم بسرعت کار بگذرد. البته در این حدود آنچه که تصمیم لازم باشد گرفته خواهد شد همانطور که بنده عرض کردم این تشکیلات عیب دارد و این تشکیلات پیچ و خم و طول و تفصیلش خیلی است و باید کاری بکنیم که این پیچ و خم ها کم شود و محاکمات

ساده تر و سریعتر شود بطور کلی عرض میکنم ولی بطور مفصل در جزئیات نخواهند صحبت بکنم نمی شود حالاً مورد ندارد و ضمناً موقع را مغتنم می شمرم و این قسمت را تذکر میدهم چون در خارج اطلاق در موقع نفس بنده احساس کردم که بعضی از نمایندگان محترم يك نگرانی ها را جمع بيك قسمتهائی داشتند و حالا هم که عرض میکنم برای این است که خدمت آن آقایانی که رسیدیم و همان نگرانیها را داشتند بگویم که وقت مجلس گرفته نشود و این فرمایشات را نکنند - چون اعتراض کردند و اظهار نگرانی نمودند که این کمیسیونهائی که می آیند ممکن است يك قانونی بگذرانند راجع بفلان قسمت از اصول محاکمات و چون اسم آزمایش در بین است پنج روز بعد خدای نخواستہ (چون باید تمام اینها را در قانون پیش بینی کرد) از نقطه نظر اینکه فلان محاکمه را باو تکمیل کرده باشند یا بفلان صاحب دعوی همراهی کرده باشند آماده را تغییر بدهند و يك ماده دیگر جای آن می گذارند. برای اینکه جلوگیری از این نگرانیها بشود يك فورمولی بنده درست کرده ام و به بعضی از آقایان هم عرض کردم و حالا هم باز عرض میکنم که اگر آقایان اظهار مخالفتی دارند متوجه پان قسمت باشند که اضافه خواهد شد که این کمیسیون هائی که معین میشوند برای اجرای آن موادی که در نظر میگیرند اولاً يك مدتی معین بکنند که مثلاً پس از ده روز یا بعد از يك ماه این ماده که الان ابلاغ می شود بموقع اجراء گذارده خواهد شد که مردم تکلیف خودشان را بدانند و یکی دیگر اینکه وقتی که ابلاغ شد و جریان پیدا کرد دیگر این کمیسیون حق تجدید نظر در قانون ندارد تا بیاید بمجلس و مجلس تکلیفش را معین کند. اینرا هم تذکر دادم که بدانند و بنده این قسمت را بعد اضافه خواهم کرد.

رئیس - آقای زوار پیشنهاد کفایت مذاکرات را کرده اند.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد کافی بودن مذاکرات را مینامم
رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات
آقا. باینکه تصویب می کند قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. (خطاب بوزیر عدلیه) آن فورمول را خوبست التفات کنید بعد رأی بگیریم
وزیر عدلیه - بله الان

آقا سید یعقوب - بنده هم يك پیشنهادی عرض کردم.
(ماده واخده بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - وزیر فعلی عدلیه مجاز است بوسیله کمیسیون هائی مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع باصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و بموقع اجراء بگذارد تا پس از آزمایش در عمل بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید، کمیسیونهای فوق برای اجرای موادی که تصویب می نمایند مدتی معین میکنند سپس از انقضاء آمدت مواد مصوبه بموقع اجراء گذاشته میشود و پس از ابلاغ کمیسیونها در آن مواد دیگر حق تجدید نظر نخواهند داشت

کمیسیونهای مذکوره چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل میشوند

مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که بوسیله کمیسیون های فوق الذکر در ظرف چهار ماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده به قوه خود باقی است.

تبصره - وزیر فعلی عدلیه می تواند اشخاص را که لازم میدانند اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه برای مؤسسات اداری و محاکمه عدلیه انتخاب نموده مؤسسات و محاکم را از آن اشخاص دائر مینماید این اختیار برای مدت چهار ماه از تصویب این قانون است.

داشتند) ما بودجه کارگذاری ها را بکلی منحل کردیم. زیرا خودمان را محتاج بان ندیدیم. همین ها قضاوت کرده اند و در محاکم کار کرده و سابقه هم دارند. تمام نظر بنده این است که يك بودجه اضافه نحمیل نشود حالا اگر بنده را قانع می کنند که بر بودجه چیزی اضافه نشود و نحمیلانی بمملکت نشود عرضی ندارم ولی پیشنهاد بنده از این نظر بود که عرض کردم.

وزیر عدلیه - عرض میکنم نظر آقای آقا سید یعقوب بکنظری است که رعایتش بر هر وزیری یا وکیل لازم است و البته حتی الامکان باید خرج زیادی نتراشید و ایشان مخصوصاً کسی هستند که در پشت این تریبون سرکیسه ملت را محکم گرفته اند ولی خودشان تصدیق دارند که اگر خرجی لازم شد نباید طفره زد بنده اینجا اطمینان میدهم که تا حدی که ممکن باشد ما اشخاصی که صلاحیت داشته باشند از بین همین مستخدمین دولت خواهیم آورد. اما از آقا اجازه میخواهم که بگذارند دست دولت باز باشد. ما حتی الامکان از خارج کسی را نخواهیم آورد ولی اگر اتفاق افتاد و يك کسی بدرد این کار خورد ولی سابقه استخدام نداشت دست و پا بسته نباشد و ما بتوانیم او را بیاوریم زیرا اگر يك کسی بدرد خورد حیث است که ما او را کنار بگذاریم و قطعاً عدء اینها هم زیاد نخواهند بود و روی هم رفته شاید ما بیش از پنجاه شصت نفر از خارج بیاوریم فرضاً که صد نفر هم بیاوریم و يك خرج مختصری هم برای این کار بکنیم نازه در مقابل نفع بزرگی که بما میدهد بنده کان نمیکم اهمیتی داشته باشد و با این شرط خوب است خود آقای آقا سید یعقوب هم با ما همراهی کنند و قدری سر کیسه ملت را شل بکنند.

رئیس - آقای دادگر موافقت میکنند؟

دادگر - خیر مخالفم.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود
(بترتیب ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم در تبصره عوض کلمه اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشد یا نه نوشته شود اعم از اینکه در وزارت عدلیه سابقه استخدام داشته باشد یا وزارتخانه دیگر (یعقوب الموسوی)
رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - گرچه در خارج هم آقای وزیر عدلیه عرض کردم ولی میخواهم وجهه نظرم را بعرض مجلس برسانم. وجهه نظر بنده چنانکه نماینده های محترم دیده اند در هر جا من مواظب هستم که يك خرج زیادی برای مملکت فراهم نشود این قانون استخدام که ما نوشتیم آنهاست که مشمول آن هستند. مکرر هم عرض کرده ام. هیچ قوه نمیشود آنها را خارج کرد. و این عبارت که نوشته شده است. اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشد یا نه (قطع نظر از اینکه يك ماده کنترالی در قانون استخدام ذکر شده که آن ماده از اصول قانون استخدام پیشتر رفته و همه وزارتخانهها هم گرفتارند و چقدر برای مستخدمین کنترالی بودجه مملکت را زیاد کرده اند) این هم يك باب وسیع دیگری باز می کند. بنده خردم که يك نفر از اعضاء کمیسیون بودجه هستم بعرض مجلس میرسانم که ما سیصد و پنجاه هزار تومان کسر بودجه داریم این ماده را اینجا میگذاریم پس فردا بقدری از مدارس متوسطه و عالی در اینجا زیاد هستند که وزیر عدلیه دیگران را بزحمت می اندازد. بنده میترسم در اینجا باز يك باب دیگری و يك مخارج دیگری بواسطه این کلمه زیاد شود. این است که بنده اینجا پیشنهاد کردم که نوشته شود اعم از اینکه سابقه در وزارت عدلیه داشته باشند یا در وزارتخانه دیگر. و با منتظرین خدمت سایر وزارتخانهها. (چنانچه در کمیسیون بودجه آقای وزیر مالیه هم تشریف داشتند آقای یاسائی هم تشریف

رئیس - آقای باسائی

باسائی - بنده هم با پیشنهاد مخالفم با اصل

ماده موافقم

رئیس - آقای شبروانی؟

شبروانی - با پیشنهاد مخالفم

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده هم مخالفم

آقا سید یعقوب - استرداد میکنم

رئیس - استرداد کردند. پیشنهاد آقای مدرس

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم آخر ماده بترتیب ذیل اصلاح شود مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که بوسیله کمیسیونهای فوق الذکر و تصویب مجلس شورای ملی یا کمیسیون عدلیه تغییر نکرده بقوه خود باقی است و در عین حال مواد مصوبه کمیسیونها موقتا معمول بها خواهد بود

رئیس - آقای مدرس

مدرس - گرچه پیشنهاد است و آقای رئیس اجازه نمیفرمایند که در پیشنهاد خیلی صحبت بشود ولی بنده عقیده ام این است که هر يك از اشخاص که يك خیالی بجهت اصلاح در کلاس افتاد باید او را آزاد گذارد که آن خیال خودش را اجرا کند تا شاید انشاء الله الرحمن نتیجه از آن حاصل شود در ماده واحده عقیده بنده این بود که هیچ صحبت نداریم و بگذاریم همینطوریکه نظر خودشان است مجلس رای بدهند لکن یکی دو نکته را بنده بی تناسب ندیدم که صحبت کنم. در این مجلس خیلی ها آمدند و اختیار نام خواستند و بانها داده شد. ما بخاطر دارم رئیس الوزراء نام آمدند و اختیارات نام خواستند. قانون ۲۳ جوزاراً دیدیم خلاصه خیلی اختیارات نام دیدیم حالا هم عیبی ندارد

که يك اختیاراتی هم باقاي داور بدهیم ولی دو نکته را باید خدمت ایشان عرض کنم و گمان این است این دو نکته را نمیشود صحبت نداشت. یکی اینکه متجاوز از ده سال است يك قانونی مرتب شده. اهل خبره. کمیسیون عدلیه. يك مستشاریکه آوردیم و قریب صد هزار تومان با پول دادیم همه در او نظر کردند (وقانون امتحانی درست کردند) و يك قوانینی را بموقع اجرا گذاردند. از اینکه وضعیت عدلیه ما هم حالا خوب نیست حرفی نیست ولی حالا باید کاری بکنیم که آنچه که داریم نایک چیزی جای آن نگذاشته ایم آنها را کان لم یکن نکنیم. اگر انشاء الله این کمیسیونها موفق شدند و يك قوانین و لوایحی ترتیب دادند و آنها را بموقع آزمایش گذاشتند و در ضمن هم تقدیم مجلس شورای ملی کردند و مجلس شورای ملی یا کمیسیون عدلیه با اجازه مجلس شورای ملی آنها را تصویب کرد هر چه را که از این قوانین جدید تصویب کردند در مقابلش از این قوانین فعلی کسر و محو نمائید. اما بجز دریکه این کمیسیونها نشستند و يك چیزی ترتیب دادند لغو کردن این قوانین فلسفه ندارد. البته کمیسیون بنشینند و لوایحی ترتیب بدهد و آنها را بموقع اجراء و آزمایش بگذارد. ولی بمجرد اینکه کمیسیونها رای دادند که این قوانین جدید بموقع اجراء گذارده شود نمیشود این قوانین فعلی را کان لم یکن تصور کرد و الغاء این قوانین باید به تصویب مجلس یا کمیسیون عدلیه باشد بهمان ترتیب که هر چه از این قوانین را مجلس یا کمیسیون تصویب کرد از این قوانین فعلی کسر نماید این بود معاد نظریه بنده که پیشنهاد کردم

وزیر عدلیه - بنده اولاً از بعضی از آقایان رفقا که اجازه خواسته اند و میخواهند بعنوان موافقت صحبت بکنند که کار زودتر بگذرد خیلی عذر میخواهم که همه صحبتها خود بنده میکنم و در اینجا این نظر را که آقای مدرس فرمودند بنده هیچ مانع مقصود نمی بینم. امروزه يك قوانین و قواعدی هست و ما اصلاحاتی را که در قوانین میکنیم حاضریم که آن اصلاحاتی را که

بموقع اجراء میگذاریم مجلس پیشنهاد کنیم و البته ناوقت که مجلس یا کمیسیون عدلیه مجلس بآن رای نداده است اسم قوانین فعلی را نباید قوانین ملغی شده گذاشت منتها معطل و موقوف الاجرا میباشد و قوانینی که بموقع آزمایش گذارده میشود بمجلس میآید و تکلیفش را مجلس معین خواهد کرد و چون مقصود بنده هم همین است و بامقصد آقای مدرس یکی است بنده این پیشنهاد را قبول میکنم و از آقایان موافقین هم خواهش میکنم موافقت بفرمایند بکنفران نمایندگان - خوب است بکمرته دیگر قرائت بشود.

(بشرح فوق قرائت شد)

رئیس - قبول فرمودید؟

وزیر عدلیه - بلی.

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که کمیسیونهاییکه تشکیل می شود مرکب بوده باشد از شش نفر که بتصویب مجلس سه نفر از وکلای و سه نفر از خارج معین شوند و رئیس عدلیه هم حق دارد دو نفر خودشان معین کنند که مجموع هشت نفر بشوند.

رئیس - آقای فیروز آبادی.

فیروزآبادی - چون وزارت عدلیه مجبور است کمیسیونهایی معین کند که آن کمیسیونها راجع به تشکیلات نظریات خودشان را معین کنند بهترش این است که این اشخاص از مخالف و موافق باشند تا کار زودتر بگذرد. از این جهت نظر بنده این است که سه نفر از وکلای مجلس و سه نفر هم از خارج این شش نفر بابتخاب خود مجلس باشد و دو نفر هم خود وزیر عدلیه انتخاب کند که مجموع این اشخاص هشت نفر باشند و این هشت نفر بنشینند و زودتر کار را درست کنند

رئیس - آقای وزیر عدلیه: نسبت بان پیشنهاد چه میفرمائید؟

وزیر عدلیه - حقیقتش این است که بنده نمیتوانم این پیشنهاد را قبول کنم و دلائل زیادی دارم که اگر لازم شد بعد عرض خواهم کرد ولی همینقدر بطور خلاصه عرض میکنم که خوب است اجازه بدهند و روی همان اصلی که آقای مدرس فرمودند این ترتیبی که فعلا هست و پیشنهاد شده دیگر بهم نخورد و تصویب شود

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیروز

آبادی اقبالی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده واحده اضافه شود هر ماده را که کمیسیونها تصویب کردند باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد

آقا سید یعقوب - این ماده را که آقای وزیر عدلیه

پیشنهاد کرده و مجلس میخواهد رای بدهد بنده قرائت میکنم تا آقایان در نظر داشته باشند. نوشته است

« اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که بوسیله کمیسیونهای فوق الذکر در ظرف چهار ماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده بقوه خود باقی است » انوقت کمیسیونها برای تشکیلات خود وزارتخانهها و تشکیلات محاکم موادی را تنظیم می کنند و وزارت عدلیه مجبور است آن مواد را اجرا کند. در این ماده هیچ نوشته نشده است که آن مواد را که کمیسیونها تصویب میکنند بتصویب مجلس شورای ملی باید برسد از اینجهت بنده پیشنهاد کردم کمیسیونهایی که مامور از برای تنظیم این مواد هستند برای تشکیلات و محاکمات و قانون استخدام باید آن مواد بتصویب مجلس شورای ملی برسد و الا لازم

میآید که غیر از قوه مقننه قوه دیگری دخالت در وظایف قوه مقننه کرده باشد حالا اگر آقای وزیر عدلیه میفرمایند که آن پیشنهاد آقای مدرس این نظریه بنده را نامین میکند یعنی این را میرساند که موادی که کمیسیونهای چهارگانه تصویب میکنند باید بتصویب مجلس هم برسد که بنده پیشنهاد خود را استرداد میکنم و الا اگر اینطور نباشد وزیر عدلیه آن مواد را بدون تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجراء گذارد بنده جداً مخالفم زیرا چنانچه عرض کردم لازم میآید که غیر از قوه مقننه دیگری مداخله در وظایف قوه مقننه بکند وزیر عدلیه - لازم است عرض کنم که بنده تصور نمیکنم هیچوقت خیالم این بوده که در وظائف قوه مقننه دخالت کنم و پیشنهادی هم که آقای مدرس فرمودند و بنده هم قبول کردم گمان میکنم تمام این نظریات را میرساند و نامین میکنند

آقا سید یعقوب - پس بنده استرداد میکنم
(خنده نمایندگان)

آقا سید یعقوب - اما بنده مطالعه میکنم که قانون درست بگذرد شما مطالعه نمی کنید این خنده ندارد! رئیس - پیشنهاد دیگر آقای مدرس (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم نوشته شود: پس از آزمایش مدت ششماه رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرض میشود چون «آزمایش» در ماده بود و معلوم نیست که آزمایش برای چند مدت است از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم و بخودشان هم عرض کردم و گمان می کنیم ششماه هم در قوه خودشان به بینند که این مواد و قوانین را بموقع عمل بگذارند

وزیر عدلیه - بنده با مدت ششماه هم موافقم

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی
(مضمون ذیل قرائت شد)

در اعضاء کمیسیونها بنده پیشنهاد میکنم با نظریه دولت باشد

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - عرض میکنم اینجا يك مذاکرانی راجع با اعضاء کمیسیون ها شد و آقای وزیر عدلیه نخواستند عرایض بنده را رد کرده باشند ولی در اینجا فرمودند نمیتوانم بگویم برای اینکه محظورات دارد ولی البته این محظورات را در بین خودشان و بین همکاران خودشان و آقایان وزراء ندارند لهذا بنده این طور پیشنهاد کردم و تصور می کنم خودشان هم این پیشنهاد را قبول بفرمایند که اعضاء کمیسیون ها را با نظر هیئت وزراء قرار دهند و این مسئله را در جلسه هیئت وزراء مطرح کنند و در آنجا رای بگیرند

وزیر عدلیه - عرضی که بنده میخواهم بکنم خیلی مختصر است و محتاج بآمدن پشت زبون هم نبود ولی چون در سه دفعه اینجا برای مخالفت با اظهارات آقای بهبهانی آمدم و متأسفانه بعنوان مخالفت جواب فرمایشات آقا را دادم این دفعه آمدم برای اینکه خوش وقتانه با فرمایشات آقا موافقت کنم البته بدیهی است که بنده هیچوقت مطلبی را پیش خودم نگه نخواهم داشت و محرمانه نخواهد بود و در خیلی از موارد از نظریات آقایان وزراء استفاده خواهم کرد و همچو تصور نشود که اگر بنده در خارج مشورت کنم به بنده بر میخورد البته بنده با آقایان وزراء مشاوری می کنم و این پیشنهاد را هم قبول میکنم

رئیس - دیگر پیشنهادی نیست باید نسبت بماده رای بگیریم

وزیر معارف - بنده با پیشنهاد آقای بهبهانی مخالفم
یک نفر از نمایندگان - نمیشود مخالفت کرد وزراء مسئولیت مشترك دارند

وزیر معارف - حق دارم مخالفت کنم بهمان دلیل که مسئولیت مشتركه میخواهد ایجاد شود شما این اختیارات را میدهید بوزیر فعلی عدلیه و مصلحت در این است که مجلس قیود زیادی برای او ثبوت شدن مسئولیت ایجاد نکند. شما هیئت وزراء چه کار دارید؟ وزیر عدلیه کاملاً طرف اعتماد هیئت وزراء است. اگر خودشان نخواهند مشورت کنند آن يك موضوع دیگری است ولی در این ماده واحده بنده هیچ موجبی نمی بینم که وزیر عدلیه ملزم باشد که هیئت وزراء را هم داخل این مسئولیت بکنند و بنده با این ترتیب مخالفم وزیر عدلیه - اجازه می فرمائید؟ عرض کنم راه حلی که بنظر بنده میرسد که هم مقصود آقای بهبهانی نامین شده باشد و همچون آقای وزیر معارف با این ترتیب موافقت ندارند برای حل قضیه بهتر این است که آقا پیشنهاد خودشان را پس بگیرند و بنده بایشان اطمینان میدهم که بدون مشورت رفقای خودم هیچ کاری نکنم

رئیس - (خطاب با آقای بهبهانی) مسترد فرمودید؟
بهبهانی - بلی مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد شده است با ورقه رای گرفته شود وزیر عدلیه - اجازه می فرمائید ماده واحده خوانده شود رئیس - خوانده میشود و بعد رای گرفته میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - وزیر فعلی عدلیه مجاز است بوسیله کمیسیونهایی مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع باصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و بموقع اجراء بگذارد تا پس از آزمایش در مدت ششماه مجلس

شورای ملی پیشنهاد نماید. کمیسیونهای مذکوره چهارماه پس از تصویب اینقانون منحل میشوند. کمیسیونهای فوق برای اجرای موادی که تصویب می نمایند مدتی معین می کنند که پس از انقضاء آن مدت مواد مصوبه بموقع اجرا گذاشته میشود و پس از ابلاغ کمیسیونها در آن مواد دیگر حق تجدید نظر نخواهند داشت. مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که بوسیله کمیسیونهای فوق الذکر و تصویب مجلس شورای ملی یا کمیسیون عدلیه تغییر نکرده بقوه خود باقی است و در عین حال مواد مصوبه کمیسیونها موقتاً معمول بها خواهد بود تبصره - وزیر عدلیه میتواند اشخاصی را که لازم میدانند اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه برای مؤسسات اداری محاکم عدلیه انتخاب نموده مؤسسات و محاکم را از آن اشخاص دائر می نماید

رئیس - رای گرفته میشود باین ماده و تبصره با اوراق. آقابانیکه موافقت ورقه سفید خواهند داد و الا ورقه کبود

(در این موقع اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه اینطور حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۸۱ ورقه کبود علامت رد ۳ رئیس - عده حضار صد و يك با کثرت هشتاد و

یکرای تصویب شد. آقای وزیر معارف

وزیر معارف - آقای میرزا یوسفخان مشار را بسمت معاونت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه معرفی میکنم.

وزیر داخله - آقای مصطفی قلیخان بیات را بمعاونت وزارت داخله بمجلس شورای ملی معرفی میکنم

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است (بعضی از نمایندگان - صحیح است) چون فردا روز عید است برای شرفیابی و عرض تبریک حضور علیحضرت همایونی باید نه نفر بحکم قرعه معین شوند

(اقتراع بعمل آمده و آقایان مفصله الاسامی بحکم قرعه معین شدند)
 آقای محمد هاشم میرزا افسر - آقای میرزا علی کازرونی
 آقای طباطبائی وکیل - آقای آقا سید یعقوب - آقای دادگر - آقای آقا سید زین العابدین فومنی - آقای مفتی آقای ملک مدنی - آقای میرزا عبد الباقی جمشیدی
 رئیس - آقای وزیر فوائد عامه اظهاری دارید ؟
 رئیس بانک

(مجلس تقریباً یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)

قانون

اجازة اصلاح قوانین اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه بوزیر فعلی عدلیه

مصوب ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ شمسی

ماده واحده - وزیر فعلی عدلیه مجاز است بوسیله کمیسیونهای مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع باصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و بموقع اجرا بگذارد تا پس از آزمایش مدت شش ماه در عمل به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید کمیسیونهای مذکوره چهار ماه پس از تصویب اینقانون منحل میشوند.

مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که بوسیله کمیسیونهای فوق الذکر و تصویب مجلس شورای ملی با کمیسیون عدلیه تغییر نکرده بقره خود باقی است و در عین حال ماده مصوبه کمیسیونها موقتاً معمول بها خواهد بود کمیسیونهای فوق برای اجرای موادی که تصویب می نمایند مدتی معین میکنند که پس از انقضاء آن مدت مواد مصوبه بموقع اجرا گذاشته میشود و پس از ابلاغ کمیسیونها در آن مواد دیگر حق تجدید نظر نخواهند داشت تبصره - وزیر فعلی عدلیه میتواند اشخاصی را که لازم میدانند اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه برای مؤسسات اداری و محاکم عدلیه انتخاب نموده و مؤسسات و محاکم را از آن اشخاص دائر نماید این اختیار برای مدت چهار ماه از تصویب این قانون است

اینقانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و هفتم بهمن ۱۳۰۵ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

حسین پیرنیا: رئیس مجلس شورای ملی